

۲
کفتارتوان بازیگران ثالث
محمد عطریان فر۲
سیاستقانون گذاران علیه قانون
درباره فراخوان تحصن نمایندگان۳
افقآتش بس روی لبه تیغ
تشش در تنگه هرمز پس از تفاهم۷
کوچهبرزخ کارت‌های بانکی
مشکلات مردم در خصوص اختلالات بانکی

سرمقاله

پاشنه آفساید یا پاشنه قانون؟

چرا ما شکست‌های خود را به شانس نسبت می‌دهیم؟

اکبر منتجبی

سردبیر



این هفته، اگرچه با هیجانی شسیرین آغاز شد اما خیلی زود طعم تلخ شکست، کام بسیاری از ایرانیانی را که چشم انتظار پیروزی تیم ملی فوتبال ایران بودند، تلخ کرد و بار دیگر همان پرسش قدیمی را پیش روی ما قرار داد که واقعاً بدشانس هستیم یا تقدیر ما این است که همیشه تا آستانه پیروزی پیش برویم و درست در آخرین گام، شکست را تجربه کنیم؟ شاید هیچ‌کدام. شاید ما برای توضیح رخدادهایی که از کنترلمان خارج است، گاهی به شانس پناه می‌بریم و گاهی به تقدیر. اما در بسیاری از میدان‌های زندگی، از فوتبال تا سیاست، نه شانس داور نهایی است و نه تقدیر؛ این قواعد بازی‌اند که سرنوشت را رقم می‌زنند. باور اینکه سرنوشت، گاهی در فاصله چند سانتی‌متر رقم می‌خورد، دشوار است اما فوتبال بار دیگر همین واقعیت را به رخمان کشید. پاشنه پای که کمی جلوتر است، پالتای که گل نمی‌شود، توپ‌هایی که به تیرک می‌خورند و گلسی که میلیون‌ها نفر برایش فریاد می‌کشند اما چند ثانیه بعد، مردود اعلام می‌شود، همه ما را با این سوال مواجه می‌کند که اشکال کار ما کجاست؟ ما معمولاً نام این اتفاقات را بدشانسی می‌گذاریم اما شاید آنچه بدشانسی می‌نامیم در واقع برخورد بی‌رحمانه ما با قواعدی باشد که جهان بر سر آنها به توافق رسیده است. قواعدی که آرزوها و خواست‌های قلبی ما را بر باد می‌دهد! در زمین مسابقه، دو تمدن کهن رویه‌روی هم ایستاده بودند؛ اما داور نه تاریخ را می‌شناخت، نه تمدن برایش مهم بود و نه احساسات میلیون‌ها هوادار را؛ او حقیقتی بزرگتر را پیش چشم ما گذاشت که جهان مدرن بر اساس آن پایه‌گذاری شده است؛ و آن حاکمیت قانون است. این مسابقه پیش از هر چیز به ما یادآوری کرد که قانون، احساس ندارد. برای قانون تفاوتی نمی‌کند، پشت یک توپ یا گل یا یک صحنه ۸۰ میلیون نفر ایستاده باشند یا ۸ هزار نفر. آفساید، حتی اگر به اندازه پاشنه یک کفش باشد، آفساید است. توپ اگر از خط نگذشته باشد، گل نیست؛ حتی اگر همه ما آرزو کنیم که گل باشد. البته همیشه راه دیگری هم وجود دارد که وسوسه‌اش کم نیست؛ زیر میز زدن، ترک زمین، تبدیل شدن به قهرمان شبکه‌های اجتماعی برای چند ساعت یا چند روز. بی‌تربد عده‌ای این رفتار آناارشیستی را شجاعانه می‌خواندند، عده‌ای آن را نماد اعتراض به نظم موجود تعبیر می‌کردند و هزاران تحلیل در سستانیش این رفتار نوشته می‌شد اما آیا این آغاز راه بود یا پایان حضور در جامعه جهانی؟ مرز میان آناارشیسم و قانون‌گرایی دقیقاً همین‌جاست. یا گذاشتن بر قواعد شاید در کوتاه‌مدت هیجان‌انگیز باشد اما هزینه آن همیشه سنگین است. جهان، برخلاف فضای مجازی، با هیجان اداره نمی‌شود؛ با قواعد اداره می‌شود. متأسفانه با خوشبختانه جهان برای آرزوهای ما برنامه‌ای ندارد. برایش فرقی نمی‌کند چند انگشت در آفساید باشیم یا چند متر. چنانکه در حقوق بین‌الملل، تجارت، هوانوردی یا دیپلماسی یا سیاست نیز گاهی یک بند کوچک، یک امضا یا یک تخلف ظاهراً ناچیز می‌تواند، سرنوشت یک ملت را تغییر دهد. شاید مشکل از آنجا آغاز می‌شود که ما «احساس عدالت» را با خود عدالت اشتباه می‌گیریم. از نگاه من و میلیون‌ها هوادار ایرانی، آن گل باید پذیرفته می‌شد زیرا احساس می‌کردیم تیم‌مان، با وجود همه فشارهای به ناحقی که تحمل کرده، سزاوار پیروزی است. اما قانون درباره احساسات ما داوری نمی‌کند. قانون نه اشک را می‌شناسد نه هیجان را و نه محبوبیت را. اگر قرار باشد هر بار که احساس کردیم، حقی از ما ضایع شده است قواعد را تغییر دهیم، دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. اما چرا ما شکست‌های خود را به شانس نسبت می‌دهیم؟ شاید به این دلیل است که گفتن اینکه «بدشانس بودیم» آسان‌تر از پذیرفتن واقعیت‌های جاری است. در بسیاری از عرصه‌های زندگی، سیاست و اقتصاد بیش از آنکه شانس تعیین‌کننده باشد، ساختارها، نهادها و قواعد بازی، نتیجه را رقم می‌زنند. این فقط درباره فوتبال نیست؛ درباره سیاست هم هست. در اقتصاد نیز همین است. هر کشوری که تصمیم می‌گیرد، عضو یک نظم بین‌المللی شود همزمان می‌پذیرد بخشی از آزادی عمل خود را در چارچوب قواعد مشترک اعمال کند. عضویت بدون پذیرش محدودیت، معنا ندارد. نمی‌توان هم در مسابقه بود و هم هر زمان نتیجه مطابق میل نبود، قواعد را کنار گذاشت. می‌توان از آن نظم خارج شد اما نمی‌توان همزمان عضو آن بود و قواعدش را نادیده گرفت بی‌آنکه هزینه‌ای پرداخت نشود. قانون گاهی بی‌رحم به نظر می‌رسد اما همین بی‌رحمی، راز بی‌طرفی آن است. همان قانونی که امروز گل ایران را مردود اعلام می‌کند، فردا ممکن است گل برزیل، آرژانتین یا آلمان را نیز مردود بداند؛ همان‌گونه که در تاریخ فوتبال بارها چنین شده است. اگر قانون برای یک نفر استتفا قائل شود، دیگر قانون نیست. شاید بزرگترین تفاوت میان شانس و واقعیت همین باشد. شانس یا تقدیر را می‌توان نفرین کرد اما قانون را یا باید پذیرفت یا هزینه پذیرفتن را پرداخت. به همین دلیل جهان با عدالت‌آرمانی اداره نمی‌شود؛ با قوانین مشترکی که جامعه جهانی برای ادامه بازی بر سر آنها به توافق رسیده است، اداره می‌شود. این قواعد گاهی ناعادلانه به نظر می‌رسند اما اگر هر کس هنگام زیان دیدن آنها را کنار بگذارد، دیگر نه مسابقه‌ای باقی می‌ماند و نه نظمی. ما نیز ناگزیر به پذیرفتن این قواعد در تمامی شئون هستیم.

باز هم اما واگر

نگاهی به بازی ایران و مصر و بدیاری‌های پی‌درپی تیم ملی ایران که اگر این بار همه چیز بر وفق مراد بود، روزی تاریخ‌ساز را تجربه کرده بودیم سازندگی به این موضوع پرداخته است



یکی از قدرتمندترین پیام‌هایی که در نمایشنامه معروف ژولیوس سزار، اثر نویسنده بزرگ ویلیام شکسپیر وجود دارد جایی است که کاسیوس، اشراف‌زاده رومی، خطاب به بروتوس می‌گوید: «تقصیر! بروتوس عزیز، در ستارگان ما نیست؛ در خود ماست که زبردست و فرمان‌بردار مانده‌ایم».

امید ذاکری‌نیا
گروه فرهنگ

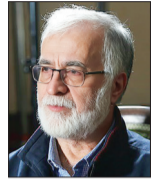
در پایان بازی ایران برابر مصر، بیشترین چیزی که از لابه‌لای کلمات سرمربی و بازیکنان تیم ملی شنیده می‌شد، شکایت از تقدیر و شانس بود اما واقعیت این است که مانع تیم ملی ایران نه سرنوشت یا طالع شوم که بی‌رحمی قانون بود. این اتفاق شاید در ادوار مختلف جام جهانی رخ می‌داد و به‌راحتی گل تیم ملی ایران توسط داور پذیرفته می‌شد. درست مانند اتفاقی که در بازی برابر بلژیک افتاد و گل مهدی طارمی تنها به‌خاطر چند سانتیمتر جلوتر بودن پایین‌تنه‌اش، آفساید اعلام شد. بعد از برگزاری سومین بازی مرحله گروهی برابر مصر، تیم ملی ایران با سه امتیاز از سه بازی باید منتظر بازی‌های بعدی بماند، هرچند تا زمانی که این متن منتشر می‌شود شاید تکلیف صعود ایران به مرحله بعدی مشخص شده باشد.

ادامه در صفحه ۴

گفتار روز

توان بازیگران ثالث

عطریان فر: تیم مذاکره کننده نباید به وعده‌های طرف آمریکایی خوش بین باشد



گروه سیاسی: محمد عطریان فر، معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، با تأکید بر اینکه حمایت از تیم مذاکره کننده با بی اعتمادی نسبت به آمریکا منافاتی ندارد، معتقد است تجربه روابط تهران و واشنگتن ایجاب می کند که هرگونه توافق با تضمین های اجرایی و سازوکارهای نظارتی همراه باشد. او همچنین اختلافات اخیر میان آمریکا و اسرائیل بر سر نحوه مدیریت پرونده ایران را نشانه ای از تفاوت رویکرد دو طرف دانست اما تأکید کرد این موضوع به تهاپسی به معنای پیروزی دیپلماتیک ایران نیست.

عطریان فر در گفتگو با ایرنا درباره تلاش های رژیم صهیونیستی برای اخلال در روند توافق ایران و آمریکا بر سر پایان جنگ، گفت اسرائیل از هرگونه کاهش تنش میان تهران و واشنگتن نگران است؛ زیرا بخش مهمی از جایگاه سیاسی و امنیتی خود را بر پایه معرفی ایران به عنوان تهدیدی دائمی برای غرب بنا کرده است. به گفته او هر توافقی که سطح تنش را کاهش دهد، بخشی از ظرفیت سیاسی و امنیتی تل آویو را محدود خواهد کرد. او با اشاره به ارزیابی های مطرح شده در ایران گفت که تشدید حملات به جنوب لبنان و افزایش فشارهای رسانه ای و سیاسی را می توان در همین چارچوب تحلیل کرد؛ اقداماتی که با هدف اثرگذاری بر تصمیم سازان آمریکایی و ایجاد مانع در مسیر دیپلماسی انجام می شود. با این حال عطریان فر معتقد است اگر تهران و واشنگتن به این جمع بندی برسند که توافق در راستای منافع ملی آنهاست، بازیگران ثالث از جمله اسرائیل، توان چندانی برای متوقف کردن آن نخواهند داشت.

این فعال سیاسی اصلاح طلب در ادامه با اشاره به پیام اخیر رهبر انقلاب بر همزمانی «اعتماد به مسئولان» و «بی اعتمادی به آمریکا» تأکید کرد و گفت که این دو گزاره نه تنها متناقض نیستند بلکه یکدیگر را تکمیل می کنند. به گفته او، مسئولان کشور تا زمانی که در چارچوب سیاست های نظام و منافع ملی حرکت کنند از حمایت برخوردارند اما این حمایت به معنای اعتماد به طرف آمریکایی نیست. عطریان فر ریشه این بی اعتمادی را در تجربه های گذشته از جمله خروج آمریکا از توافق ها، اعمال تحریم های گسترده و تغییر رفتار دولت های مختلف آمریکا، به ویژه دوره ترامپ، دانست. او تصریح کرد پیام اصلی این رویکرد آن است که تیم مذاکره کننده با پشتوانه نظام وارد گفتگو شود اما نسبت به وعده های طرف آمریکایی خوش بین نباشد و بدون دریافت تضمین های لازم اقدامی نکند. او درباره میزان پایبندی آمریکا به توافق احتمالی نیز گفت اگر واشنگتن توافق را در راستای منافع امنیتی و سیاسی خود ارزیابی کند، انگیزه کافی برای اجرای آن خواهد داشت. با این حال ساختار سیاسی آمریکا، تغییر دولت ها، فشار کنگره، نفوذ لابی های صهیونیستی و تحولات منطقه ای می تواند بر اجرای تعهدات اثر بگذارد. از همین رو طراحی سازوکارهای نظارتی و ضمانت های اجرایی می تواند، احتمال بدعهدی را کاهش دهد. معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران همچنین درباره ادعای سنگین تر بودن تعهدات آمریکا در تفاهم احتمالی تأکید کرد که تعداد بندهای یک توافق، معیار مناسبی برای سنجش وزن تعهدات نیست. به اعتقاد او، اهمیت هر تعهد به میزان تأثیر آن بر منافع ملی، هزینه اجرایی و امکان راستی آزمایی بستگی دارد؛ به گونه ای که رفع تحریم ها و ارائه تضمین های اقتصادی می تواند، ارزش راهبردی بیشتری نسبت به تعداد بندهای توافق داشته باشد. عطریان فر در بخش دیگری از سخنان خود به اختلافات اخیر میان واشنگتن و تل آویو اشاره کرد و گفت، انتقاد برخی مقام های اسرائیلی از رویکرد دولت آمریکا و پاسخ تند مقام های آمریکایی را می توان، نشانه ای از وجود اختلاف نظر میان دو طرف درباره نحوه مدیریت پرونده ایران دانست. با این حال او تأکید کرد که این اختلافات به تهاپسی نمی تواند، معیار قطعی برای سنجش موفقیت دیپلماسی ایران باشد و پیروزی زمانی محقق می شود که توافق بتواند، اهدافی مانند کاهش فشارهای اقتصادی، افزایش امنیت ملی و تأمین منافع کشور را محقق کند. او در پایان درباره آینده تفاهم احتمالی میان ایران و آمریکا گفت در شرایطی که بی اعتمادی های عمیق و اختلافات اساسی همچنان پابرجاست چنین توافقی هایی بیش از آنکه به صلح پایدار منجر شوند، ابزاری برای مدیریت بحران و کاهش تنش هستند. به گفته عطریان فر، اگر طرفین در اجرای تعهدات خود اعتماد سازی کنند و به توافق پایبند بمانند امکان حرکت به سمت صلحی پایدار افزایش می یابد اما در صورت اختلاف بر سر اجرای تعهدات، بازگشت تنش ها همچنان محتمل خواهد بود.

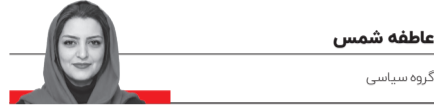
قانون گذاران علیه قانون

درباره فراخوان تحصن حدود ۵۰ نماینده مجلس برای بازگشایی صحن علنی

منتقدان معتقدند، استناد به اصول قانون اساسی نمی تواند مجوز نادیده گرفتن تصمیماتی باشد که در چارچوب ملاحظات امنیتی و مصوبات مراجع قانونی اتخاذ شده اند.

تقابل دو قرائت از وظیفه نمایندگی

در میان امضا کنندگان بیانیه، حمید رسایی بیش از دیگران نقش لیدر این جریان را برعهده گرفته است. او طی روزهای گذشته بارها در جلسات مجازی مجلس از ادامه تعطیلی صحن انتقاد و تهدید به لشکرکشی کرده بود. رسایی با طرح این پرسش که «چه کسی اختیار تعطیل کردن مجلس را دارد؟» خواستار بازگشت فوری جلسات علنی شده و حتی گفته است اگر مجلس باز نشود، جلسه نمایندگان در کنار خیابان برگزار خواهد شد. او تلویحاً تصمیمات اتخاذ شده درباره تعطیلی صحن و مصوبه مبتنی بر ملاحظات امنیتی را نیز زیر سوال برده و پرسید که اگر شرایط کشور به مرحله تقاض و آرامش رسیده چرا هنوز مجلس اجازه تشکیل جلسه حضوری ندارد. در مقابل این طیف،



عاطفه شمس

گروه سیاسی

امروز، هفتم تیر، موعد تحصنی است که پیش تر حدود ۵۰ نماینده تدروری مجلس برای برگزاری آن فراخوان داده اند؛ تحصنی که قرار است اگر درهای بهارستان همچنان بسته ماند مقابل ساختمان مجلس برگزار شود. این اولین بار نیست که گروهی از نمایندگان به تعطیلی طولانی مدت صحن علنی اعتراض می کنند اما گویا این بار اعتراض از تذکر و نطق فراتر رفته و به اقدام میدانی رسیده است. اما آنچه این اقدام را از یک مطالبه معمول پارلمانی به محل مناقشه بدل کرده این است که برگزار کنندگان، خود قانون گذارانی هستند که اکنون در عمل خواستار عبور از تصمیمی شده اند که بر پایه ملاحظات امنیتی و مصوبه شورای عالی امنیت ملی گرفته شده است.

اعتراض از جنس تناقض

چهار ماه از توقف جلسات علنی مجلس می گذرد؛ تصمیمی که با دلیل ملاحظات امنیتی صرفاً برگزاری صحن علنی را متوقف کرده اما در تمام این مدت، کمیسیون های تخصصی، جلسات هیأت رئیسه و نشست های مجازی نمایندگان بدون وقفه ادامه داشته است. با این حال به نظر می رسد، گروهی از نمایندگان ترجیح داده اند به جای پیگیری اختلاف نظر ها از مسیر های قانونی و سازوکارهای درون پارلمانی با صدور بیانیه و اعلام تحصن، مسیر فشار رسانه ای و تحصن را انتخاب کنند. در همین چارچوب ۵۰ نماینده مجلس در بیانیه ای خطاب به مردم و هیأت رئیسه اعلام کرده اند که امروز، هفتم تیر، ساعت ۸ صبح برای تشکیل صحن علنی در مجلس حاضر خواهند شد و اگر درهای بهارستان همچنان بسته باشد، جلسه خود را مقابل ساختمان مجلس برگزار می کنند. امضا کنندگان این بیانیه، تعطیلی چهار ماهه صحن علنی را «بی سابقه» خوانده و مدعی شده اند که بخش مهمی از وظایف تقنینی و نظارتی نمایندگان در این مدت بر زمین مانده است؛ این در حالی است که فعالیت کمیسیون ها، جلسات نظارتی و پیگیری امور مجلس در قالب های جایگزین در این مدت ادامه داشته و توقف کامل فعالیت پارلمان، آن گونه که در بیانیه القا می شود، با واقعیت منطبق نیست. امضا کنندگان بیانیه در توجیه این اقدام، استدلال می کنند که در شرایط حساس کشور، به ویژه در موضوع مذاکرات و توافقات خارجی، مجلس باید مطابق اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی، نقش نظارتی خود را ایفا کند و نمی تواند از مهم ترین تصمیمات ملی کنار گذاشته شود. از نگاه آنان فرصت انتظار به پایان رسیده و بازگشت به صحن علنی تنها با «اقدام عملی» ممکن است. با این حال

سیاست

احتمال قتل طراحی شده در بیمارستان

صادق خرازی از احتمال نفوذ در به شهادت رساندن سیدکمال خرازی خبر داد

این نکته هست که مطرح شدن این موضوع، بازتاب های گسترده ای خواهد داشت اما معتقد است، ابهامات موجود در ذهن خانواده ایشان باید توسط نهادهای مسئول مورد رسیدگی قرار گیرد.

سیدکمال خرازی در جریان حمله روز ۱۲ فروردین به منطقه آجودانیه تهران مجروح شد. براساس گزارش های رسمی، منزل مسکونی او هدف حمله قرار گرفت و در این



نیز تأکید دارد که برخلاف ادعای برخی نمایندگان، مجلس در این مدت تعطیل نبوده و در تمام این مدت، کمیسیون های تخصصی، فراکسیون ها، هیأت رئیسه و فعالیت های نظارتی نمایندگان به صورت مستمر ادامه داشته و فقط برگزاری صحن علنی، آن هم به دلیل ملاحظات امنیتی، به تعویق افتاده است. به گفته او، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس نیز از ماه ها قبل در حال رایزنی با نهادهای مسئول برای رفع این محدودیت ها و فراهم شدن زمینه بازگشایی صحن است. اسحاقی در عین حال نسبت به پیامدهای سیاسی چنین تحکراتی هشدار داده و از نمایندگان خواسته از هرگونه موضع گیری و اقدامی که به دو قطبی سازی فضای سیاسی و جامعه منجر شود، پرهیز کنند. او تأکید کرده که در شرایط حساس کنونی، حفظ وحدت و انسجام ملی بر هر اختلاف و مطالبه سیاسی اولویت دارد و پیگیری مطالبات مجلس نیز باید در همین چارچوب انجام شود.

محک حاکمیت قانون

در مجموع، تقابل این دو روایت، شکاف واقعی این روزهای بهارستان را آشکار کرده است. یک جریان، توقف صحن علنی را مترادف با تعطیلی مجلس و تضعیف جایگاه قوه مقننه می داند و آن را دستاویزی برای تحصن و فشار سیاسی قرار داده است. در مقابل، جریان دیگر تأکید می کند که مجلس هرگز تعطیل نبوده و فقط شکل برگزاری جلسات، به دلیل ملاحظات امنیتی، تغییر کرده است؛ بنابراین همان گونه که اجرای قانون از مردم انتظار می رود، قانون گذاران نیز موظفند به تصمیمات نهادهای قانونی، از جمله مصوبات مبتنی بر ملاحظات امنیتی، تمکین کنند. نکته اصلی نیز همین جاست؛ نمایندگانی که همواره بر ضرورت اجرای قانون تأکید دارند اکنون خود در برابر تصمیم نهادهای استنادده اند که مصوباتش پس از تأیید برای همه دستگاه ها لازم الاجراست. این در حالی است که اگر قرار باشد هر نهادی اجرای مصوبات قانونی را به تشخیص خود بپذیرد یا رد کند، سنگ روی سنگ بند نخواهد شد؛ آن هم زمانی که این رفتار از سوی نهادهای سر می زند که فلسفه وجودی اش، قانون گذاری و صیانت از حاکمیت قانون است. با این همه، مناقشه ای که امروز در بهارستان جریان دارد، محکی است برای سنجش نسبت میان استقلال قوه مقننه، الزامات امنیت ملی و میزان پایبندی خود قانون گذاران به سازوکارهای قانونی. اگرچه دفاع از جایگاه مجلس و مطالبه بازگشایی صحن علنی در ذات خود امری قابل طرح است اما این مطالبه زمانی مشروعیت خود را حفظ می کند که از مجاری قانونی و در چارچوب قواعد حاکم بر نظام تصمیم گیری دنبال شود نه با تهدید به تحصن و ایجاد فشار سیاسی. در غیر این صورت، دفاع از شأن پارلمان، به تضعیف همان اصلی خواهد انجامید که مجلس بر پایه آن معنا پیدا می کند؛ یعنی حاکمیت قانون.

حادثه، همسرش منصوره رئیس قاسم به شهادت رسید. سیدکمال خرازی نیز با جراحات شدید به بیمارستان منتقل شد و سرانجام ۲۱ فروردین خبر شهادت او اعلام شد. وی مطابق وصیت خود در قطعه شهدای رمضان و در کنار همسرش به خاک سپرده شد.

پیش از این نیز دو روایت غیررسمی درباره شهادت سیدکمال خرازی مطرح بود که همزمان با اظهارات جدید صادق خرازی دوباره مورد توجه قرار گرفته اند. براساس یکی از این روایت ها، ساختمان محل سکونت او به طور مستقیم هدف حمله قرار گرفته و وی در همان محل مجروح شده بود. روایت دیگری اما می گوید، هدف اصلی ساختمانی در مجاورت منزل خرازی بوده و موج انفجار و تخریب گسترده ساختمان های اطراف، موجب وارد شدن جراحات شدید به او شده است.

با این حال تاکنون هیچ یک از این روایت های غیررسمی به طور مستقل قابل تأیید نبوده همچنین تا زمان انتشار این گزارش، هیچ یک از مراجع رسمی ادعای مطرح شده درباره احتمال مسمومیت یا نفوذ در بیمارستان را نیز تأیید یا رد نکرده اند. از این رو بررسی ابعاد مختلف این پرونده همچنان در انتظار اعلام نتایج رسمی نهادهای مسئول است.

توافق دو دشمن

انتشار توافق نامه ۱۴ بندی اسرائیل و لبنان



از گروه‌های مسلح انجام شده است. تل‌آویو متعهد شده که با رفع این تهدیدها، دیگر نیازی به حضور نظامی در خاک لبنان نخواهد داشت.

ابعاد اقتصادی توافق نیز قابل توجه است. آمریکا متعهد شده با بسیج شرکای بین‌المللی، روند بازسازی لبنان را آغاز کند؛ از تأمین منابع مالی برای بازسازی زیرساخت‌ها گرفته تا حمایت از احیای اقتصاد و جذب سرمایه‌گذاری خارجی. با این حال همه این کمک‌ها مشروط به اجرای کامل تعهدات امنیتی، شفافیت مالی و جلوگیری از انتقال منابع به گروه‌های مسلح خواهد بود.

با وجود خوش‌بینی واشنگتن، مسیر اجرای توافق آسان نخواهد بود. خلع سلاح حزب‌الله، تثبیت اقتدار دولت لبنان، عقب‌نشینی مرحله‌ای اسرائیل و جلب اعتماد افکار عمومی دو کشور، مجموعه‌ای از چالش‌های سیاسی و امنیتی هستند که می‌توانند هر لحظه این روند را با بحران مواجه کنند. تجربه توافق‌های پیشین نیز نشان داده که فاصله میان امضای یک سند سیاسی و اجرای کامل آن در خاورمیانه، گاه بسیار طولانی و پرهزینه است.

توافق همچنین سازوکاری مرحله‌ای را تعریف کرده است که ابتدا در مناطق آزمایشی اجرا می‌شود. پس از آنکه خلع سلاح گروه‌های مسلح و برچیده شدن زیرساخت‌های آنها مورد تأیید قرار گرفت، ارتش لبنان مسئولیت کامل امنیت این مناطق را برعهده خواهد گرفت، بازسازی آغاز می‌شود و ساکنان غیرنظامی امکان بازگشت به خانه‌های خود را پیدا خواهند کرد. آمریکا نیز مسئول نظارت، راستی‌آزمایی و هماهنگی اجرای این روند خواهد بود. از منظر سیاسی شاید مهم‌ترین پیام توافق، بازتعریف مفهوم حاکمیت در لبنان باشد. دولت بیروت در این سند تصریح کرده که تنها نهاد دارای حق تصمیم‌گیری درباره جنگ و صلح، دولت لبنان است و هیچ گروه یا بازیگر غیردولتی حق استفاده از زور یا ایفای نقش نظامی مستقل را ندارد. این بند عملاً جایگاه نظامی حزب‌الله را هدف قرار داده و نشان می‌دهد که آینده این گروه به یکی از اصلی‌ترین محورهای اجرای توافق تبدیل خواهد شد. در مقابل، اسرائیل نیز اعلام کرده که هیچ ادعای سرزمینی نسبت به لبنان ندارد و تأکید کرده که عملیات نظامی این کشور تنها در واکنش به تهدیدهای ناشی

توافق دولت لبنان با اسرائیل ذلت‌بار و فاقد اعتبار است. او این توافق را عقب‌نشینی از حاکمیت ملی و امتیازدهی رایگان به دشمن توصیف کرد.

مهم‌ترین محور این توافق، پایان رسمی وضعیت جنگی میان دو کشور و پذیرش متقابل حق حیات و امنیت یکدیگر است؛ موضوعی که در روابط لبنان و اسرائیل سابقه‌ای بی‌سابقه دارد. براساس متن توافق، دو طرف متعهد شده‌اند اختلافات خود را از طریق مذاکرات مستقیم و با حمایت آمریکا دنبال کنند و روندی غیرقابل بازگشت برای حل همه مسائل باقی‌مانده ایجاد شود.

اما بخش حساس تر توافق به موضوع حزب‌الله و ساختار امنیتی لبنان مربوط می‌شود؛ جایی که تقریباً تمام بندهای توافق حول یک هدف مشترک شکل گرفته‌اند: انحصار کامل سلاح در اختیار دولت لبنان. براساس این چارچوب، ارتش لبنان باید به تدریج کنترل امنیتی سراسر کشور به‌ویژه مناطق جنوبی را در دست بگیرد و همزمان همه گروه‌های مسلح غیردولتی خلع سلاح شوند. در مقابل، ارتش اسرائیل نیز به‌صورت مرحله‌ای و پس از تأیید اجرای تعهدات امنیتی از مناطق اشغالی لبنان عقب‌نشینی خواهد کرد.

گروه بین‌الملل: آنچه تا چند ماه پیش تنها در حد گمانه‌زنی‌های دیپلماتیک مطرح می‌شد اکنون روی کاغذ آمده است؛ لبنان و اسرائیل، دو کشوری که دهها درگیر جنگ، اشغال، حملات مرزی و بی‌اعتمادی عمیق بوده‌اند با میانجیگری ایالات متحده نخستین گام رسمی را برای پایان دادن به وضعیت جنگی و حرکت به سمت توافق صلح برداشته‌اند. توافق نامه چارچوبی ۱۴ بندی که روز جمعه در واشنگتن به امضا رسید اگرچه هنوز به‌معنای صلح نهایی نیست اما می‌تواند نقشه راهی برای تغییر یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های امنیتی خاورمیانه باشد؛ توافقی که در صورت اجرا، نه تنها معادلات لبنان و اسرائیل بلکه توازن قدرت در کل منطقه را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

مارکو روبریو، وزیر امور خارجه آمریکا، در مراسم امضای این توافق اعلام کرد که واشنگتن موفق شده پس از پنج دور مذاکره میان دو طرف، چارچوبی برای دستیابی به «صلح و امنیت پایدار» ایجاد کند. مذاکراتی که پس از هفته‌ها درگیری میان ارتش اسرائیل و حزب‌الله در جنوب لبنان آغاز شد و اکنون وارد مرحله‌ای شده که هدف آن تبدیل آتش‌بس‌های شکننده به یک سازوکار سیاسی و امنیتی دائمی است. شیخ نعیم قاسم در همین حال در بیانیه‌ای اعلام کرد که

دیپلماسی

آتش‌بس روی لبه تیغ

تنگه هرمز دوباره میدان تقابل تهران و واشنگتن شد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

آتش‌بس هنوز به یک ماه نرسیده بود که نخستین ترک عمیق بر پیکره آن نمایان شد. شب جمعه، آب‌های جنوب ایران که قرار بود پس از هفته‌ها درگیری به آرامش برسند بار دیگر به صحنه تقابل نظامی تهران و واشنگتن تبدیل شدند؛ تقابلی که نه تنها اعتبار تفاهم‌نامه ۶۰ روزه پایان جنگ را زیر سوال برد بلکه بار دیگر بازار جهانی انرژی، امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز و آینده مذاکرات میان دو طرف را در هاله‌ای از ابهام فرو برد. اکنون پرسش اصلی این است که آیا آنچه رخ داد یک حادثه محدود در دل آتش‌بس بود یا نخستین نشانه از فروپاشی توافقی که با دشواری بسیار شکل گرفته است.

ماجرای جایی آغاز شد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، ایران را به نقض آشکار آتش‌بس متهم کرد. به گفته او، نیروهای ایرانی چهار پهپاد تهاجمی را به سمت کشتی‌هایی که از تنگه هرمز عبور می‌کردند، پرتاب کردند. سه فروند از این پهپادها توسط سامانه‌های دفاعی آمریکا رهگیری و منهدم شد اما پهپاد چهارم به یک کشتی کانتینریر با پرچم سنگاپور اصابت و خساراتی به آن وارد کرد. این کشتی از مسیر دریایی جایگزینی استفاده می‌کرد که با حمایت سازمان ملل، سازمان بین‌المللی دریانوردی و دولت عمان برای کاهش خطرات امنیتی و خروج کشتی‌های گرفتار در منطقه طراحی شده بود.

واکنش واشنگتن چندان طول نکشید. فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا، سنتنکام، ساعتی بعد در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد که در پاسخ به حمله علیه یک کشتی تجاری، عملیات هوایی گسترده‌ای علیه اهداف نظامی ایران انجام داده است. براساس این بیانیه، جنگنده‌های آمریکایی تأسیسات موشکی، انبارهای پهپادی، سامانه‌های راداری و مراکز دیدهبانی ساحلی را در سواحل جنوبی ایران به‌ویژه در اطراف بندر سیریک هدف قرار دادند. سنتنکام تأکید کرد که هدف این عملیات، کاهش توان عملیاتی ایران برای انجام حملات ضدکشتی و بازگرداندن بازدارندگی در چارچوب توافق آتش‌بس بوده است.

در تهران اما روایت کاملاً متفاوت بود. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با انتشار بیانیه‌ای، حملات آمریکا به چند نقطه در سواحل جنوبی کشور را به‌شدت محکوم و آن را نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد همچنین نقض صریح تفاهم‌نامه

پایان جنگ دانست. در این بیانیه تأکید شد که حملات آمریکا تأسیسات نظارت ساحلی ایران را هدف قرار داده و جمهوری اسلامی براساس حق ذاتی خود در دفاع مشروع، مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد از حاکمیت، امنیت و منافع ملی خود دفاع خواهد کرد. وزارت امور خارجه همچنین مسئولیت تمامی پیامدهای ناشی از تشدید تنش را متوجه آمریکا و کشورهای دانست که در این عملیات با واشنگتن همکاری کرده‌اند.

اختلاف روایت‌ها، تنها به بیانیه‌های رسمی محدود نماند؛ بلکه نشان داد که تهران و واشنگتن برداشت‌های کاملاً متفاوتی از مفاد تفاهم‌نامه آتش‌بس دارند. از نگاه دولت آمریکا، حمله پهپادی ایران به کشتی تجاری، نقض مستقیم توافق و تهدیدی علیه آزادی کشتیرانی در یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان محسوب می‌شود. ترامپ این اقدام را «نقضی احمقانه» از آتش‌بس توصیف کرد و جسی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا نیز هشدار داد که هرگونه خشونت با پاسخی متناسب



رویه‌رو خواهد شد و اختلافات باید از مسیر کانال‌های دیپلماتیک حل‌وفصل شود نه از طریق اقدامات نظامی. در سوی دیگر مقام‌های ایرانی معتقدند، عملیات آمریکا نخستین اقدام ناقص تفاهم‌نامه بوده است. از نگاه تهران حملات هوایی آمریکا علیه تأسیسات دفاعی ایران، نه تنها با مفاد توافق سازگار نیست بلکه حاکمیت سرزمینی ایران را هدف قرار داده است. همین برداشت متفاوت از خطوط قرمز دو طرف، توافقی را که قرار بود، زمینه کاهش تنش را فراهم کند اکنون به بستری برای تفسیرهای متناقض و اقدامات متقابل تبدیل کرده است.

آنچه این حادثه را فراتر از یک تبادل محدود نظامی قرار می‌دهد، اهمیت راهبردی منطقه وقوع درگیری است. تنگه هرمز همچنان مهم‌ترین گلوگاه انتقال انرژی جهان به‌شمار می‌رود و هرگونه ناامنی در این آبراه به سرعت آثار خود را بر بازارهای جهانی نشان می‌دهد.

حمله به کشتی‌ای که از مسیر جایگزین مورد حمایت سازمان ملل و عمان استفاده می‌کرد، از نگاه بسیاری از تحلیلگران صرفاً یک عملیات نظامی نبود؛ بلکه پیامی سیاسی درباره جایگاه ایران در معادلات امنیت دریایی منطقه محسوب می‌شود. تهران سال‌هاست بر این موضع تأکید دارد که امنیت تنگه هرمز باید در چارچوب ترتیبات منطقه‌ای و با نقش محوری ایران مدیریت شود و ایجاد مسیرهای جایگزین را کاهش‌دهنده اهم ژئوپلیتیکی خود می‌داند. در مقابل، آمریکا تلاش دارد آزادی کشتیرانی را به‌عنوان یکی از خطوط قرمز سیاست امنیتی خود در خلیج فارس حفظ کند. از همین‌رو حملات سنتنکام را می‌توان تلاشی برای جلوگیری از تثبیت هرگونه الگوی جدید در منطقه دانست؛ الگویی که ممکن است عبور کشتی‌های تجاری را به پذیرش شرایط مورد نظر تهران گره بزند. این تقابل در واقع فراتر از یک حادثه نظامی، بخشی از رقابت گسترده‌تر دو کشور بر سر تعریف نظم امنیتی خلیج فارس است.

پیامدهای این درگیری به سرعت در بازارهای جهانی نیز نمایان شد. بهای نفت خام برنت تنها چند ساعت پس از انتشار اخبار حملات، روندی صعودی به خود گرفت و نگرانی‌ها درباره اختلال دوباره در صادرات انرژی افزایش یافت. همزمان، برنامه خروج کشتی‌های تجاری از منطقه که با هماهنگی سازمان بین‌المللی دریانوردی در حال اجرا بود به دلیل نبود تضمین‌های امنیتی متوقف شد. در نتیجه صدها کشتی همچنان در محدوده تنگه هرمز و آب‌های اطراف آن باقی ماندند؛ وضعیتی که می‌تواند روند عادی‌سازی زنجیره تأمین جهانی را با چالش تازه‌ای روبه‌رو کند.

زمان وقوع این تنش نیز بی‌ارتباط با تحولات سیاسی منطقه نیست. همزمان با تلاش آمریکا برای پیشبرد توافقات امنیتی جدید در جبهه‌های دیگر خاورمیانه، از جمله میان اسرائیل و لبنان، افزایش فشار نظامی در خلیج فارس این پیام را منتقل می‌کند که پرونده‌های امنیتی منطقه به یکدیگر پیوند خورده‌اند و نمی‌توان آنها را به‌صورت جداگانه مدیریت کرد. به همین دلیل بسیاری از ناظران معتقدند، آنچه در سواحل جنوبی ایران رخ داد صرفاً واکنشی تاکتیکی نبود بلکه بخشی از رقابت راهبردی گسترده‌تری است که آینده نظم امنیتی منطقه را شکل خواهد داد.

با وجود این هیچ‌یک از دو طرف هنوز نشانه‌ای از تمایل به پایان کامل مسیر دیپلماسی بروز نداده‌اند. هم تهران و هم واشنگتن می‌دانند که فروپاشی کامل تفاهم‌نامه می‌تواند، منطقه را بار دیگر به چرخه‌ای از درگیری‌های پرهزینه بازگرداند. با این حال حوادث اخیر نشان داد، آتش‌بسی که قرار بود آغازگر دوره‌ای از کاهش تنش باشد اکنون بر لبه تیغ حرکت می‌کند؛ جایی که یک حمله پهپادی، یک عملیات هوایی یا حتی یک سوء برداشت از مفاد توافق می‌تواند مسیر مذاکرات را به سوی بحرانی تازه تغییر دهد. اکنون بیش از هر زمان دیگری روشن شده که دوام این تفاهم‌نامه نه به متن توافق بلکه به توان دو طرف در مهار بحران‌های میدانی و جلوگیری از تبدیل آنها به رویارویی مستقیم وابسته است.

آمریکا

تهدید تازه ترامپ علیه اروپا

با تعرفه ۱۰۰ درصدی مواجه می‌شوید

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، روز جمعه تهدید کرد هر کشوری که برای شرکت‌های آمریکایی، مالیات بر خدمات دیجیتال وضع کند با تعرفه صد درصدی بر تمامی کالاهای صادراتی خود به ایالات متحده مواجه خواهد شد.

ترامپ در پیامی در شبکه‌های اجتماعی، کشورهای اروپایی را به‌طور ویژه هدف قرار داد و مدعی شد که آنها در آستانه اجرای مالیات بر شرکت‌های فناوری آمریکایی هستند. او تأکید کرد این تعرفه‌ها جایگزین هرگونه توافق تجاری پیشین خواهد شد و هیچ کشوری که چنین مالیاتی را اعمال کند از این مجازات مستثنا نخواهد بود.

این تهدید در شرایطی مطرح شده که بسیاری از کشورها به دنبال افزایش درآمد‌های مالیاتی از غول‌های فناوری هستند؛ شرکت‌هایی که بخش بزرگی از درآمد خود را در بازارهای خارجی کسب می‌کنند اما به اعتقاد برخی دولت‌ها، مالیات متناسبی در همان کشورها نمی‌پردازند. ترامپ اما این مالیات‌ها را اقدامی تبعیض‌آمیز علیه شرکت‌های آمریکایی می‌داند و پیش‌تر نیز بارها نسبت به وضع آنها هشدار داده بود.

واکنش اتحادیه اروپا به این موضع سریع بود. اولوف گیل، سخنگوی کمیسیون اروپا اعلام کرد که مالیات بر خدمات دیجیتال سیستمی «غیرتبعیض‌آمیز» است که بدون توجه به ملیت شرکت‌ها بر همه شرکت‌های بزرگ اعمال می‌شود. او هشدار داد اگر واشنگتن به اقدامات یک‌جانبه روی بیاورد، اتحادیه اروپا نیز برای دفاع از حقوق و استقلال مقررات‌گذاری خود، پاسخی سریع و قاطع خواهد داد. این تهدید تنها چند روز پیش از آغاز اجرای توافق تعرفه‌ای میان آمریکا و اتحادیه اروپا مطرح شده است؛ توافقی که براساس آن تعرفه بیشتر کالاهای صادراتی اروپا به آمریکا در سقف ۱۵ درصد محدود خواهد شد. با این حال موضوع مالیات بر خدمات دیجیتال در این توافق گنجانده نشده و همچنین یکی از مهم‌ترین نقاط اختلاف میان دو طرف باقی مانده است. آمریکا پیش‌تر نیز درباره مالیات‌های دیجیتال براساس قانون تجارت سال ۱۹۷۴ تحقیقات انجام داده بود اما هنوز مشخص نیست که دولت ترامپ تهدید جدید خود را چگونه عملی خواهد کرد. در حال حاضر کشورهایی مانند بریتانیا از سال ۲۰۲۰ مالیات بر خدمات دیجیتال را برای شرکت‌های بزرگ فناوری اعمال کرده‌اند و هدف از آن را ایجاد نظامی عادلانه‌تر برای اخذ مالیات از شرکت‌های چندملیتی عنوان می‌کنند.



جوایز ادبی

در مکتب مجلات

معرفی نامزدهای ایرانی جایزه آسترید لیندگرن

شورای کتاب کودک، آتوسا صالحی را در بخش نویسندگان و هدا حدادی را در بخش تصویرگران، به‌عنوان نامزدهای جایزه یادبود آسترید لیندگرن (آلما) ۲۰۲۷ معرفی کرد.

بازآفرینی خلاق متون کهن

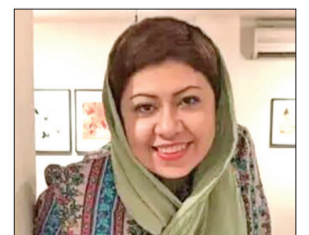
این شورا درباره انتخاب آتوسا صالحی نوشته است: «او با فعالیت مستمر و متنوع در گونه‌های مختلف ادبیات، بازآفرینی خلاق متون کهن، نوشتن داستان و فیلم‌نامه، سرودن شعر، فعالیت در مجلات تخصصی کودک و نوجوان، ترجمه و ویراستاری، باشگاه‌های کتاب‌خوانی، کلاس‌های آموزشی و برنامه‌های رادیویی، و ترویج کتاب کارنامه‌های پر بار دارد. در آثار او، اسطوره‌ها صرفاً میراثی فرهنگی نیستند؛ بلکه بستری برای طرح پرسش‌های بنیادین اخلاقی، اجتماعی و هویتی است و مفاهیمی مانند قدرت، انتخاب، سرنوشت و تقابل خیر و شر را با مسائل نوجوان امروز در می‌آمیزد. او بازآفرین فرم و خلق صداهای تازه در دل متونی است که معمولاً از نگاه رسمی، اسطوره‌ای و مردانه روایت شده‌اند و با زاویه‌دیدهای متنوع، به بازتاب تجربه‌های انسانی پیچیده در دل ساختار حماسی پرداخته است. زبان آثار صالحی واجد توازنی کم‌نظیر میان سادگی روایی و عمق معناست، بدون فروکاستن از پیچیدگی‌های متون کلاسیک. تجربه زیسته او در تعامل مستقیم با نوجوانان و درک عمیق او از این جهان، به او امکان داده تا آثارش متناسب با نیازهای شناختی، هویتی و عاطفی نوجوانان باشد. او ادبیات را نه صرفاً بر بستر کتاب، بلکه در ساحت‌های مختلف فرهنگی می‌گستراند و به کودک امکان مواجهه چندلایه با داستان را می‌دهد».

آتوسا صالحی، متولد ۱۳۵۱، شاعر، نویسنده، مترجم و ویراستار کتاب‌های کودکان و نوجوانان است. او از سال ۱۳۶۹ فعالیت حرفه‌ای خود را با مجله «سروش نوجوان» آغاز و بعدها با نشریه‌هایی چون «همشهری»، هفته‌نامه و روزنامه‌های «آفتابگردان»، «سُرق» و «ایران» همکاری کرد. او مسئولیت‌هایی چون مدیریت باشگاه کتاب افق، عضویت در شورای مباحث نظری و رمان نوجوان کانون پرورش فکری و دبیری مجموعه‌های «رمان‌هایی که باید خواند» (نشر پیدایش) و کارگروه بازآفرینی (انتشارات نردبان) را برعهده داشته است؛ همچنین داوری جایزه‌هایی مانند پروین اعتصامی و کتاب سیال وزارت ارشاد، جشنواره سپیدار، جشنواره کتاب برتر و ادبیات کودک شیراز و کتاب سال کانون پرورش فکری از مسئولیت‌های آتوسا صالحی بوده است. از آثار او می‌توان به مجموعه ۱۲ جلدی «بازآفرینی قصه‌های شاهنامه»، مجموعه ۴ جلدی «داستان‌های جبرک و جورک»، «ماشین قشنگ من، کاهو»، «حتی یک دقیقه کافی است»، «کوچ روزبه» و مجموعه ۴ جلدی «ماجراهای نارگل» اشاره کرد.

آثار متنوع، زنانه و طبیعت‌گرایانه

در بخش تصویرگران هدا حدادی، نویسنده و تصویرگر، برای بار دوم به‌عنوان نامزد جایزه آسترید لیندگرن (آلما) ۲۰۲۷ از طرف شورای کتاب کودک معرفی می‌شود؛ شورا درباره انتخاب هدا حدادی معتقد است: «حدادی بیش از سه دهه در حوزه تصویرگری ایران فعالیت داشته است. نقش تأثیرگذار او در تصویرگری، خلق آثار متنوع، زنانه، طبیعت‌گرایانه، شاعرانه و صلح‌جو که متأثر از فرهنگ و هنر ایرانی است، از دلایل انتخاب ایشان است. او با سبک شخصی‌اش و با بهره‌گیری ماهرانه از تکنیک کلاژ، تصویری زیبا، لطیف، خلاقانه و منحصر بفرد خلق می‌کند. حدادی سال‌هاست در حوزه تصویرگری، نویسندگی و تدریس فعالیت می‌کند. نمایشگاه‌های متعدد انفرادی و گروهی و کسب جوایز متعدد بین‌المللی در حوزه تصویرگری از دیگر دلایل انتخاب ایشان برای نامزدی جایزه آلماست».

هدا حدادی، متولد ۴ بهمن ۱۳۵۵ در تهران و تصویرگر کتاب‌های کودک و نوجوان، نویسنده و شاعر است. تاکنون حدود ۸۰ کتاب از او در هر سه حوزه تصویرگری، ادبیات داستانی و شعر در ایران و سایر کشورهای جهان به چاپ رسیده است. او از کودکی علاقه وافری به نقاشی داشت و فعالیت حرفه‌ای خود را از ۱۹ سالگی و با چاپ اثر تصویری در «کیهان بچه‌ها» و اثر داستانی در مجله «سروش نوجوان» آغاز کرد. در بیشتر آثار ادبی و تصویری او «زنان» راوی داستان‌های طبیعی خود هستند و رابطه آن‌ها با خود و با طبیعت پیرامونشان مورد بررسی قرار گرفته است. جایزه یادبود آسترید لیندگرن (آلما)، به مناسبت بزرگداشت نویسنده محبوب سوئدی و یکی از پرطرفدارترین نویسندگان جهان از سال ۲۰۰۲ توسط دولت سوئد بنیان نهاده شده است. جایزه نقدی آلمان به مقدار ۵ میلیون کرون سوئد، به‌عنوان بزرگترین و گران‌ترین جایزه ادبیات کودکان و نوجوانان و دومین جایزه بزرگ ادبیات، پس از جایزه هانس کریستین آندرسن در جهان مطرح است. جایزه آلمان، یک جایزه ادبی است که نه تنها به نویسندگان و تصویرگران اهدا می‌شود، بلکه قصه‌گویان، مروجان و نهادهای حوزه ادبیات کودکان و ترویج کتاب‌خوانی نیز می‌توانند به آن دست یابند. این جایزه سالیانه به یک یا بیش از یک هنرمند یا مروج و... صرف نظر از زبان و ملیت آن‌ها اعطا می‌شود. آثار این هنرمندان باید دارای کیفیت بالای هنری و ارزش‌های انسانی‌ای باشند که آسترید لیندگرن به آن‌ها باور داشت. در حال حاضر، شورای کتاب کودک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان چهار نهاد ایرانی هستند که امتیاز معرفی نامزد برای دریافت این جایزه را دارا هستند.



کتاب‌دار مهربان

درباره پارکوهی هارطونیان که در گم‌نامی زیست اما کتاب‌شناس و فهرست‌نویسی بی‌مانند بود

مجیدرضا محمدی

روزنامه‌نگار



بر خود می‌بایم که ۳۷ سال با مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی همکاری کرد و بر غنای کار دانشنامه‌نگاری ما افزود.

کاظم موسوی بجنوردی شصت سال سررولک زدن بی‌وقفه با کتاب و کتاب‌خانه، او را کتاب‌دار و کتاب‌شناسی برجسته پدید آورده بود. چنان به‌چشم و زبیرویر این کار آگاه بود که هر جوان تازه‌کار علاقه‌مندی به کتاب‌خانه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی وارد می‌شد و می‌خواست تا کتاب‌داری و فهرست‌نگاری یاد بگیرد، حتماً باید نزد او هم می‌رفت و از خوان فضل‌اش خوشه‌چینی می‌کرد.

متولد سوم شهریور ۱۳۲۷ در تهران بود و با این‌که «مادر من اصلاً سواد فارسی نداشت و پدرم هم -جز ارمنی که به آن تسلط داشت- فارسی را خیلی کم می‌دانست» اما نخستین بار ۶ دهه پیش پای در کتاب‌خانه گذاشت، بی‌آن‌که از این کار چیزی بداند، وقتی که به تشویق کتاب‌دار کتاب‌خانه دبیرستان محل تحصیل‌اش، در یک کتاب‌خانه عمومی فعالیت کرد.

شروع کار با ایرج افشار

دو سال بعد اما به‌واسطه‌ای به ایرج افشار معرفی شد و این آغاز دورانی تازه از زندگی‌اش بود: «خیلی دوست داشتم در کتاب‌خانه کار کنم و به‌واسطه نسبت‌های سببی و نسبی به آن‌جا راه یافتیم». به‌این‌ترتیب «پارکوهی هارطونیان» (Φωρηθη) در ۲۲ بهمن ۱۳۴۷ در کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران مشغول به کار شد: «ابتدا مرا به بخش فهرست‌نویسی کتاب‌های خارجی

ادامه تیترو



باز هم اما واگر

تساوی نگران‌کننده

تیم ملی ایران پس از تساوی یک-یک مقابل مصر، باید با اضطراب منتظر نتایج سایر گروه‌ها بماند تا مشخص شود آیا به مرحله حذفی جام جهانی صعود خواهد کرد یا خیر. دیداری که با مردود شدن گل دقیقه پایانی ایران به دلیل آفساید، پایانی تلخ و دراماتیک پیدا کرد. مصر که صعودش به مرحله یک‌شانزدهم نهایی قطعی شده بود، در همان پنج دقیقه ابتدایی با گل محمود صابر پیش افتاد. اما رامین رضایتیان در دقیقه ۱۴ با ضربه‌ای از زاویه‌ای بسته، بازی را به تساوی کشاند و شروع پرهیجان مسابقه را رقم زد. پس از آن، از شدت هیجان بازی کاسته شد و مسابقه تا دقایق پایانی بیشتر به نبرد پراشتباه و فیزیکی تبدیل شد؛ تا اینکه در پایان، اتفاقاتی نفس‌گیر همه‌چیز را تغییر داد. ابتدا ایران روی صحنه‌ای که توسط داور، خطا روی دروازه‌بان اعلام شد، توسط مهدی طارمی که یک پنالتی را در نیمه اول از دست داده بود، تیر دروازه مصر را به لرزه درآورد اما چند دقیقه بعد با گل شجاع خلیل‌زاده در دقیقه ۹۳ تصور کرد به پیروزی تاریخی و صعود رسیده است که بازمینی ویدئویی، این گل را به دلیل آفساید مردود اعلام کرد.

گزارشگر انگلیسی‌زبان این بازی، زمانی که گل شجاع به‌شمر رسید، گفت: «این مهم‌ترین گل تاریخ فوتبال ایران است». و این حرف کاملاً درست بود. شجاع که در سال‌های اخیر آماج شدیدترین انتقادهای رسانه‌ای و برخوردها از سوی سکوفا بوده، در حالی که بسیاری او را برای حضور در تیم ملی پیر می‌دانستند، می‌توانست خودش را جاودانه کند. اتفاقی که برای لحظاتی رخ داد. چهره خلیل‌زاده در لحظاتی که بعد از خوشحالی اولیه از آغوش هم‌تیمی‌هایش درآمده بود، میزان انرژی و شادی او را به‌خوبی نشان می‌داد اما لحظه‌ای بعد شیمون مارسینیاک، داور مسابقه، گویی با یک سطل آب یخ، حس‌وحال او را کاملاً تغییر داد. مرد روی صحنه می‌گوید: «ترجیح می‌دهم خوش‌شانس باشم تا خوب» و این درست صحنه‌ای است که توپ به تور برخورد می‌کند و در زمان دراماتیک فیلم ناگهان میان دو طرف زمین معلق می‌شود.

این توپ نشانه‌ش شانس است و در هر طرف زمین که فرود، بیاید سرنوشت متفاوتی را برای بازی رقم می‌زند. درواقع این اتفاقی است که برای شجاع در آن لحظات پایانی رخ داد. درواقع گاهی همه‌چیز در زندگی به یک مو بند است و یک لحظه یا ثانیه می‌تواند سرنوشت آدمی را تغییر بدهد. شجاع می‌توانست در این روزهای پرفشار نامش را به‌عنوان زنده‌مهم‌ترین گل تاریخ فوتبال ایران ثبت کند؛ اتفاقی که تنها به خاطر چند سانتیمتر جلوتر بودن کفش‌اش و بی‌رحمی قانون فوتبال، مردود اعلام شد. اما در روزی که شجاع شانس

برده‌اند و از آن‌جا خوشم نیامد. استاد افشار گفت که من این‌بار تو را به جایی می‌برم که امکان ندارد خوشت نیاید؛ مرا به مسجد دانشگاه تهران برد که هنوز تکمیل نشده بود. قسمت کفش‌کن مردانه برای کتاب‌های شرقی و فارسی بود. اما خود آقای افشار در زیرزمین سازمان مرکزی بود که البته قسمت لاتین و بخش‌های دیگر هم آن‌جا بود. وقتی وارد شدم، از همان لحظه اول جذب و شیفته آن‌جا شدم، بدین‌ترتیب کارم را شروع کردم». در پی گشایش ساختمان کنونی کتاب‌خانه مرکزی در ابتدای پاییز ۱۳۵۰ رسماً در بخش فهرست‌نویسی لاتین به فعالیت پرداخت و به‌مرور به چنان مهارتی دست یافت که تا پایان عمر از آن دست نشست.

کار کردن با ایرج افشار، آن هم در اوج جوانی، او را بدل به فهرست‌نگاری پخته و کارکننده کرد و چنان با جانش عجین شد که تمام بلاهای روزگار توانست او را از این کنار بزدايد؛ «کتاب‌خانه مرکزی محیط سالمی بود و زمانی که ما استخدام شدیم، کسانی که با تصور راحتی و لایذ کار کردن به آن‌جا آمده بودند، آرام‌آرام خود را کنار کشیدند و رفتند. تمام فکر و هدف افشار این بود که ایران را با کارهای مختلف علمی بشناساند و در بند مسائل پیش‌افتاده نبود». در همین‌اتنا در سال ۱۳۵۰ فوق‌دیپلم کتاب‌داری را از مدرسه عالی ایران‌زمین دریافت کرد و در سال ۱۳۵۶ نیز موفق به کسب لیسانس کتاب‌داری شد. انقلاب که شد، افشار از ریاست کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران کناره گرفت. هارطونیان در آن‌جا ماند اما «در زمان ریاست فیروز حریری بر کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران، معاونت وقت کتاب‌خانه مشکلاتی برایم ایجاد کرد که ابتدا مرا در اختیار کارگزینی گذاشت؛ سپس حکم انتقال به مکانی دور از تهران برایم صادر شد. من به این حکم اعتراض کردم. در نهایت، با تلاش‌های بسیار زیاد و پیگیری مسئولان دانشگاه و پس از گذشت ۹ ماه بلاذکلیفی،

در هفتم بهمن ۱۳۶۷ حکم مأموریت در کتاب‌خانه دانشکده علوم دانشگاه تهران برایم صادر شد» تا آن‌که ابتدای شهریور ۱۳۷۸ بازنشسته شد.

در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

البته همان‌موقع که انگیزاسیون پساانقلابی سبب شد تا به‌سبب ارمنی بودن آزار بسیار ببیند، از سوی عنایت‌الله مجیدی، رئیس کتاب‌خانه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به این مؤسسه دعوت شد ولی «به‌ویژه پس از مسائلی که در کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران برایم پیش آمد، این سؤال در ذهنم وجود داشت که آیا می‌توانم در یک مرکز اسلامی کار کنم؟ اما به مرور زمان و با شناخت محیط و آشنایی با افراد و استادانی که در مرکز فعالیت می‌کردند، به‌خصوص استادانی که در رأس گروه‌های علمی مرکز بودند، پی بردم که علت اصلی جذب شدن این بزرگان به مرکز شیوه مدیریت و شخصیت کاظم موسوی بجنوردی است. ایشان بسیار آزاداندیش بود و برایش مهم نبود فردی که در مرکز کار می‌کند، صاحب چه ملیتی است؟ دین مذهب و معتقداتش چیست؟ و یا به چه زبانی تکلم می‌کند؟ برای ایشان، دانش، کارایی عملکرد و شخصیت افراد و این‌که برای پیشبرد اهداف مرکز چه کاری می‌توانستند انجام دهند، مهم بود».

با چنین رویکردی، ۲۶ شهریور ۱۳۶۸ در بخش فهرست‌نویسی کتاب‌های لاتین کتاب‌خانه این نهاد دانش‌نامه‌نگاری مشغول شد. تا هنگام بازنشستگی از دانشگاه، به‌اتفاق عباس مافی بعدازظهرها می‌آمد اما بعد حضوری تمام‌وقت یافت و تا آخرین روز حیات، شورمندانه به این کار عشق می‌ورزید. کاری که ظرافت‌های خاص خودش را هم داشت: «فهرست‌نویسی فرآیندی است که فهرست‌نویس طی آن با اتکا به تجربیات خود و با مراجعه

نداشت و علیرضا بیرانوند دروازه‌اش برابر مصر باز شد، این رامین رضایتیان بود که باز هم بهترین بازیکن لقب گرفت. او یک گل برای تیم ملی ایران زد تا با ۲ گل پرافتخارترین بازیکن تاریخ تیم در جام‌های جهانی لقب بگیرد.

چه خواهد شد؟

تیم ملی ایران امیدواری زیادی برای صعود دارد و البته صعود ایران به مرحله بعدی برای اولین‌بار در تاریخ به سه بازی گروه‌های مختلف بستگی دارد. بازی تیم‌های کرواسی و غنا، جمهوری کنگو و ازبکستان، ازبکستان و اتریش نقش مستقیم در صعود ایران به مرحله بعدی دارند و هرکدام از این بازی‌ها می‌تواند سرنوشت تیم ملی را تعیین کنند.

براساس قوانین جام جهانی ۲۰۲۶ دو تیم برتر هر گروه به همراه ۸ تیم سوم برتر گروه‌های دوازده‌گانه به مرحله بعدی صعود می‌کنند و تیم ملی ایران در صورتی که کرواسی مقابل غنا شکست بخورد، آن‌وقت تیم ملی ایران به مرحله بعدی صعود خواهد کرد.

در دیگر بازی، کنگو که یک امتیازی است، بمصاف ازبکستان می‌رود و در صورتی که این تیم نتواند ازبکستان را شکست بدهد، تیم ایران صعود خواهد کرد. در بازی اتریش برابر



گزارش: سینمای مستند

گل و گلوله

مستند «دو اسکوبار»؛ داستان تراژیک یک بازیکن فوتبال

جام جهانی همیشه بستری برای داستان‌هایی فراتر از فوتبال بوده است؛ داستان‌هایی از پیروزی‌های شخصی، تراژدی، هیجان باورنکردنی و دسیسه‌های سیاسی. بسیاری از بهترین فیلم‌های فوتبالی تاریخ، این تأثیر عمیق فوتبال را در بسترهای تاریخی و اجتماعی به تصویر کشیده‌اند. وبسایت فلش اسکور بهترین فیلم‌های تاریخ جام جهانی را مرور کرده است.

مستند «دو اسکوبار» در سراسر جهان به‌عنوان یکی از بهترین مستندهای ورزشی تاریخ شناخته می‌شود. این فیلم نشان می‌دهد چگونه زندگی، مرگ و میراث پابلو اسکوبار، قاجاقچی بدنام مواد مخدر، و آندرس اسکوبار، ستاره محبوب فوتبال کلمبیا، به شکلی تراژیک به یکدیگر گره خورد. مستند روایت می‌کند که چگونه پس از قدرت گرفتن کارتل‌های مواد مخدر، قمار و خشونت آفساگسیخته در کلمبیا، فضای کشور به بحرانی عمیق فرو رفت. پس از کشته شدن پابلو اسکوبار، این آشوب همچنان ادامه یافت و سرانجام آندرس اسکوبار، مدافع تیم ملی کلمبیا، به دلیل به‌نمر رساندن یک گل به‌خودی مقابل آمریکا در جام جهانی ۱۹۹۴، قربانی این فضای خشونت‌بار شد و اندکی بعد به قتل رسید.

پابلو اسکوبار در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ سلطان بی‌رقیب تجارت مواد مخدر در کلمبیا بود. اما او ثروتی را که از این راه به‌دست آورده بود، تنها برای خود خرج نمی‌کرد؛ برای فقیرترین اقشار جامعه خانه می‌ساخت و به آنها امید می‌بخشید. با این حال، بزرگ‌ترین علاقه‌اش ورزشی بود که ۲۲ نفر به دنبال یک توپ می‌دوند؛ یعنی فوتبال. اسکوبار سرمایه هنگفتی را به باشگاه زادگاهش، اتلیتیکو ناسیونال مدلین، تزریق کرد و زمینه‌ساز موفقیت‌های چشمگیر این تیم شد. یکی از بازیکنان این تیم آندرس اسکوبار بود؛ مدافعی که خیلی زود به ستاره فوتبال کلمبیا تبدیل شد و بعدها باویند کاپیتانی تیم ملی را بر بازو بست؛ تیمی که به جام جهانی ۱۹۹۴ آمریکا راه یافت. یک سال پیش از آن جام جهانی، پابلو اسکوبار پس از تعقیب گسترده نیروهای دولتی کشته شد. اما مرگ او نه تنها آرامش را به کشور بازگرداند، بلکه

اوضاع را وخیم‌تر کرد. تا زمانی که پابلو زنده بود، قدرت بی‌رقیب دنیای زیرزمینی کلمبیا محسوب می‌شد، اما پس از مرگش گروه‌های مختلف برای تصاحب جایگاه او وارد نبردی خونین شدند. سرنوشتی هولناک نیز در انتظار آندرس اسکوبار بود. او در دیدار سرنوشت‌ساز مرحله گروهی جام جهانی مقابل آمریکا به اشتباه دروازه خودی را باز کرد؛ اشتباهی که حذف کلمبیا را رقم زد. چند روز بعد، آندرس در زادگاهش با شلیک گلوله به قتل رسید؛ قتلی که گفته می‌شود با همان گل به‌خودی ارتباط داشت. در بسیاری از نقاط جهان، اطلاعات چندانی درباره تاریخ معاصر کلمبیا وجود ندارد. اما چگونه می‌توان مخاطب را به تماشای مستندی درباره کشوری ترغیب کرد که بخش بزرگی از تاریخ اخیرش با خشونت، مواد مخدر و تراژدی گره خورده است؟ برادران جف و مایکل زیمالیست پاسخ این پرسش را در فوتبال یافته‌اند و در این کار نیز موفق بوده‌اند. مستند «دو اسکوبار» نمونه‌ای جذاب از مستندسازی است که از فوتبال به‌عنوان دریچه‌ای برای روایت تاریخ یک کشور استفاده می‌کند. این دو مستندساز آمریکایی برای ساخت فیلم، از بیش از ۵۰ منبع آرشیوی استفاده کرده‌اند و برای انجام برخی مصاحبه‌ها، گاه نزدیک به یک سال منتظر مانده‌اند تا افراد حاضر شوند درباره آن دوران سخن بگویند. در طول فیلم ۱۰۰ دقیقه‌ای، روایت زندگی دو اسکوبار به‌طور مداوم درهم تنیده می‌شود و شباهت‌های شگفت‌انگیز میان سرنوشت آنها آشکار می‌گردد. سرمایه‌های پابلو باعث شد آندرس و هم‌تیمی‌هایش به افتخارات بزرگی دست یابند. اما همان تجارت مواد مخدر که برای بسیاری از مردم فقیر و حتی فوتبال کلمبیا رفاه و امید به همراه آورده بود، در نهایت چرخه‌ای از خشونت را به‌راه انداخت که خود آندرس نیز قربانی آن شد. فیلم‌سازان این رخدادها باورنکردنی را به شکلی روشن، منسجم و قابل فهم روایت می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مستند این است که هیچ چیز را تطهیر نمی‌کند. فیلم نه از انتقاد از پابلو اسکوبار پرهیز می‌کند، نه دولت کلمبیا و نه افرادی که در آن خشونت‌ها نقش داشتند. این مستند این پرسش تلخ را مطرح می‌کند که چگونه ممکن است جامعه‌ای یکی از محبوب‌ترین فوتبالیست‌های خود را به قتل برساند؟ در نهایت، فیلم این پیام را منتقل می‌کند که شاید تنها فوتبال بتواند مردم را دوباره گردهم بیاورد و آنها را نجات دهد؛ پیامی که شاید اندکی آرمان‌گرایانه باشد، اما همچنان تأثیرگذار و امیدبخش است. در کنار روایت مواد مخدر و خشونت، مستند صحنه‌های جذابی از فوتبال دهه ۱۹۹۰ کلمبیا را نیز به نمایش می‌گذارد. از جمله مهارهای فراموش‌نشده‌ی دروازه‌بان افسانه‌ای رنه هیگیتا و هنرنمایی‌های کارلوس والیراما با موهای مشهورش. البته دیدار کلمبیا و سوئیس در جام جهانی ۱۹۹۴ در فیلم نمایش داده نمی‌شود؛ مسابقه‌ای که کلمبیا با نتیجه ۲ بر صفر پیروز شد، اما این برد برای صعود کافی نبود و سوئیس راهی مرحله بعد شد.

«دو اسکوبار» مستندی موفق است که نزدیک به دو دهه از تاریخ معاصر کلمبیا را به شکلی روان، جذاب و قابل فهم روایت می‌کند. هرچند روایت فیلم گاهی به‌صورت غیرخطی میان دوره‌های مختلف زمانی جابه‌جا می‌شود، اما همچنان اثری ارزشمند و تماشایی است. مستندی که نه تنها تصویری عمیق‌تر از تاریخ کلمبیا ارائه می‌دهد، بلکه احتمالاً باعث می‌شود بسیاری از تماشاگران نگاه تازه‌ای به فوتبال و تیم ملی این کشور پیدا کنند.



پارکوهی هارطونیان در کنار عباس مافی که بیش از نیم قرن همکار بودند؛ سی‌وششمین نمایشگاه کتاب تهران؛ دوشنبه، ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴

مانده؛ دقت، حفظ اصول، روحیه اشتراک‌گذاری دانش و استانداردهای فخرآمیز نویسی از بازرترین ویژگی‌های کار حرفه‌ای‌اش بود.

او را که از محضر بزرگان زندیادی چون ایرج افشار، احمد منزوی، کیکاووس جهانداری و حسین بنی‌آدم بهره‌برده و با شخصیت‌هایی چون عنایت‌الله مجیدی و عباس مافی هم‌کاری کرده بود، شاید بتوان از آخرین بازماندگان نسل کتابداران حرفه‌ای و کاربلد دانست که درس این کار را خوانده و در آن به استادی واقعی رسیده بودند و حالا باید به جرأت با چراغ گرد شهر بگردیم و فهرست‌نویسی چون در حوزه کتاب‌های لاتین بیابیم که دانش و تجربه‌ای چون او داشته باشد.

یاد «پارکوهی هارطونیان» که هیچ‌گاه ازدواج نکرد و پس از دوره‌ای کوتاه بیماری، در آستانه تاسوعای حسینی - که به گفته برخی همکارانش در مرکز دائرةالمعارف، با آن روحیه آزادمنشانه و عدالت‌خواهانه، به آن حضرت سخت علاقه‌مند بود - سه‌شنبه، دوم تیر در ۷۸ سالگی دار فانی را وداع گفت و سه‌شنبه، نهم تیر، ساعت ۱۵ در آرامستان ارمنه در خاوران تهران به خاک سپرده می‌شود، تا همیشه با ما.

آخرین یادگار او، همکاری با عباس مافی در گردآوری جلد دوم «فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی (مجموعه‌ها: یادنامه‌ها؛ ارج‌نامه‌ها؛ جشن‌نامه‌ها؛ کنگره‌ها؛ ...)» (۱۳۹۱-۱۳۹۷) که ایرج افشار بنیاد گذارد، بود که همین بهار امسال از سوی انتشارات مرکز منتشر شد.

هارطونیان مهربان و گشاده‌رو و خوش‌سخن بود. درخواست هر کمک پژوهشی‌ای را دل‌سوزانه اجابت می‌کرد اما چندان اهل مصاحبه و سخنرانی نبود. محترم و بی‌حاشیه بود. هیاوه نداشت و سال‌ها در کنج و کناره‌های نشست و در ثبت اطلاعات کتابشناختی سلیقه را کنار زد و دست استاندارد را فشرده. در کار خود متعهد، دقیق و مسئولیت‌پذیر بود. به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، روسی و ارمنی اشراف تام داشت و نزدیک به چهار دهه بکته بخش فهرست‌نویسی کتاب‌های لاتین مرکز دائرةالمعارف را اداره کرد.

با خوش‌نامی و فروتنی علمی مثال‌زدنی که داشت، از او کتاب‌داری صاحب‌نام و فهرست‌نویسی برجسته ساخته بود. به گواهی متخصصان و فهرست‌نویسان و نیز پیشینه‌های کتابشناختی که سال‌ها در کتابخانه‌های مختلف از او به‌جا

به منابع مختلف، کلیه اطلاعات کتابشناختی، از جمله مشخصات ظاهری و محتوایی کتاب را تعیین و ثبت می‌کند تا مراجعه‌کننده به هر سطحی از آگاهی، بتواند با مراجعه به فهرست برگه‌های کتابخانه و یا نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای مطلب یا کتاب مورد نظرش را پیدا کند. مشخصات ظاهری و محتوایی کتاب، به ترتیب شامل دو قسمت فهرست‌نویسی توصیفی و تحلیلی است. در فهرست‌نویسی توصیفی اطلاعات مربوط به پدیدآورندگان، عنوان، چاپ و ویرایش، مشخصات نشر شامل محل نشر، ناشر، سال انتشار، تعداد صفحات یا مجلدات، تصویر، نقشه و غیره، قطع کتاب، فروست و یادداشت‌ها قید می‌شود. در فهرست تحلیلی هم موضوع کتاب، شناسه‌های افزوده مانند نویسنده، همکار، مترجم، مصحح و شماره‌های بایابی شامل شماره موضوعی، نشانه مؤلف، نشانه اثر و سال انتشار نوشته می‌شود. بخش فهرست‌نویسی مرکز دائرةالمعارف اهمیت به‌سزایی دارد؛ زیرا برگه‌های فهرست‌شده آن مورد مراجعه بسیاری از کتابخانه‌ها و فهرست‌نویسان است، به‌ویژه برگه‌های فهرست‌نویسی کتاب‌های فارسی و سایر زبان‌های شرقی».

در همان دقایق ابتدایی با گل محمود صابر غافلگیر شد. کمی بعد بود که طارمی با زرنگی یک پناثی از حریف گرفت اما این موقعیت طلایی را خودش از دست داد. در این شرایط سخت روحی رضایتان که یک مدافع است، دوباره دست به کار شد. پس از یک مهار دیگر از سوی دروازه‌بان مصر، توپ مقابل رضایتان قرار گرفت و او با آرامش ضربه‌ای دقیق به تور دروازه دوخت تا بازی را یک-یک مساوی کند. این دومین گل او در جام جهانی ۲۰۲۶ بود. او نشان داد حالا ستاره‌های است که در حساس‌ترین لحظات می‌درخشند. بازیکن ۳۶ ساله‌ای که برای مدتی حتی از تیم ملی کنار گذاشته شد و برای بازگشتش نیز انتقادهای زیادی وجود داشت اما عملکرد او در دو فصل اخیر در باشگاهش استقلال نیز طوری بود که قلعه‌نویی نتواند از نام او بگذرد و حالا رامین است که تیم را نجات می‌دهد. رضایتان پیش از یک دهه است که پیران تیم ملی را بر تن کرده و بارها عملکردی تعیین‌کننده داشته است. او در دیدار مقابل نیوزیلند نیز درخشید؛ جایی که نخستین گل ایران در جام جهانی را به‌نمر رساند و به مسن‌ترین بازیکن آسیایی تاریخ جام جهانی تبدیل شد که موفق به گلزنی شده است. سپس، زمانی که ایران با نتیجه ۲ بر یک عقب بود، رضایتان با پاس گل خود محمد محبی را در موقعیت گل تساوی قرار داد و به نخستین بازیکن ایرانی تبدیل شد که در جام جهانی هم گل زده و هم پاس گل داده است. او در هر دو بازی نیز ششادی گل منحصر به فردی انجام داد و خودش نیز بعد از بازی با نیوزیلند گفته بود که این ششادی‌اش پیام خاصی را در خود دارد. این بار هم بعد از گلزنی برابر مصر، او پیراهنش را روی صورتش کشید تا یکی از جالب‌ترین خوشحالی‌های بعد از گل در جام جهانی ۲۰۲۶ رقم بخورد. رامین در حال حاضر یکی از باتجربه‌ترین بازیکنان تیم ملی ایران است و در دو جام جهانی قبلی نیز حضور داشته است. او در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر نیز در بازی جذاب تیم ملی برابر ولز گل زده بود. جام جهانی ۲۰۲۶ احتمالاً آخرین حضور نسل باتجربه فوتبال ایران، از جمله رضایتان، در این رقابت‌ها خواهد بود. اگر چنین باشد، او تاکنون پایانی درخور توجه برای دوران حضورش در بزرگ‌ترین صحنه فوتبال جهان رقم زده است.

بازی‌ها

ایران ۱.....	کیپ ورد صفر.....	صفر عربستان
نیوزیلند ۱.....	نروژ ۱.....	۴ فرانسه
اروگوئه صفر.....	سنگال ۵.....	صفر عراق

تیم‌های صعود کرده به جمع ۳۲ تیم

آفریقای جنوبی.....	کانادا.....	برزیل.....	ژاپن.....
هند.....	مراکش.....	ساحل عاج.....	نروژ.....
آلمان.....	پاراگوئه.....	مکزیک.....	حریف نامشخص.....
فرانسه.....	سوئد.....	سوئیس.....	حریف نامشخص.....
بازیکن.....	حریف نامشخص.....	استرالیا.....	مصر.....
آمریکا.....	بوئنی‌هرزگوین.....	آرژانتین.....	کیپ‌ورد.....
اسپانیا.....	حریف نامشخص.....		

الجزایر، مساوی کاملاً به ضرر تیم ملی ایران خواهد بود، چراکه هر دو تیم اتریش و الجزایر در صورت مساوی چهار امتیازی خواهند شد. اگر یکی از دو تیم در این بازی برنده شوند، آن وقت با توجه به تفاضل گل منفی این تیم، تیم ملی ایران صعود خواهد کرد.

تیم ملی ایران در صورتی که به‌عنوان تیم سوم گروه‌ها به مرحله بعدی صعود کند، باید به‌مصاف تیم ملی سوئیس برود. سوئیس در گروه B مسابقات که کانادا میزبان، بوئنی‌هرزگوین و قطر حضور داشتند، با ۷ امتیاز از سه بازی در صدر جدول قرار گرفت. این نشان می‌دهد که تیم ملی ایران با وجود آنکه سوئیس در این دوره یک تیم قوی نشان داده اما بازم نسبت به برخی قرعه‌های مرحله یک‌شانزدهم شانس بیشتری برای صعود به مرحله یک‌هشتم نهایی دارد.

مرد روزهای سخت

حالا دیگر می‌توان به رامین رضایتان، لقب مرد روزهای سخت ایران در جام جهانی را داد. سردبیر یواس‌تودی بعد از این بازی در وصف این مدافع تیم ملی ایران نوشت: «هر زمان که تیم ملی ایران بیش از هر زمان دیگری به درخشش یک بازیکن نیاز داشته، رامین رضایتان بهترین فوتبالیست را به‌نمایش گذاشته است». تیم ملی ایران در بازی برابر مصر خیلی زود و



روز دوگانه بورس

چرا صف فروش تشکیل شد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بورس تهران در نخستین روز معاملاتی هفته، تصویری دوگانه از رفتار سرمایه‌گذاران به نمایش گذاشت؛ از یک سو، موج قدرتمند تقاضا در دقایق ابتدایی معاملات نشان داد که خوش‌بینی نسبت به آینده بازار همچنان پابرجاست و از سوی دیگر، افزایش عرضه‌ها در ادامه معاملات یادآور شد که بخش قابل‌توجهی از فعالان بازار هنوز ترجیح می‌دهند با احتیاط حرکت کنند. به نظر می‌رسد، بازار سهام پس از جهش‌های اخیر وارد مرحله‌ای شده که دیگر تنها اخبار سیاسی جهت آن را تعیین نمی‌کند و اکنون سرمایه‌گذاران در حال ارزیابی این پرسش هستند که آیا رشد قیمت سهام می‌تواند با واقعیت‌های اقتصادی و عملکرد شرکت‌ها همراه شود یا خیر. معاملات بورس تهران در روز شنبه ششم

تیرماه با برتری کامل خریداران آغاز شد. ورود گسترده تقاضا باعث شد، شاخص کل در همان دقایق ابتدایی بیش از ۷۰ هزار واحد افزایش یابد و بسیاری از نمادهای بزرگ با صف خرید مواجه شوند. با این حال، این روند صعودی چندان دوام نیاورد. افزایش تدریجی عرضه‌ها و شناسایی سود از سوی بخشی از معامله‌گران موجب شد که بخش عمده رشد اولیه شاخص از بین برود و بازار از سقف روزانه خود فاصله بگیرد. در نهایت شاخص کل با افزایش ۱۵ هزار و ۴۵۱ واحدی معادل ۰.۳ درصد، در سطح پنج میلیون و ۱۷۶ هزار واحد ایستاد. شاخص هم‌وزن نیز تقریباً بدون تغییر در محدوده یک میلیون و ۳۳۷ هزار واحد قرار گرفت؛ موضوعی که نشان می‌دهد در معاملات دیروز، نمادهای کوچک و متوسط نتوانستند همگام با سهم‌های بزرگ حرکت کنند و بازار به سمت تعادل بیشتری پیش رفت. رفتار معامله‌گران در جریان معاملات نشان می‌دهد که بورس پس از چند روز پرتقاضا اکنون در حال ورود به

مرحله‌ای از استراحت و ارزیابی است. در هفته گذشته، خوش‌بینی ناشی از تحولات سیاسی و کاهش نسبی تنش‌های بین‌المللی موجی از تقاضا را روانه بازار سهام کرده بود اما معاملات دیروز نشان داد که سرمایه‌گذاران دیگر تنها بر پایه اخبار سیاسی تصمیم‌گیری نمی‌کنند. بخشی از فعالان بازار ترجیح دادند پس از رشد سریع قیمت‌ها، سود خود را شناسایی کنند و در مقابل، گروهی دیگر همچنان با نگاه میان‌مدت از افت قیمت‌ها برای خرید استفاده کردند. حاصل این دو رفتار متفاوت، بازاری بود که نه در اختیار کامل خریداران قرار گرفت و نه فروشندگان توانستند بر آن مسلط شوند. آمار معاملات نیز این وضعیت را تأیید می‌کند. در پایان دادوستدها ۴۱۳ نماد در محدوده مثبت و ۴۲۴ نماد در محدوده منفی بسته شدند. همچنین ۲۰۵ نماد با صف خرید و ۲۲۳ نماد با صف فروش به کار خود پایان دادند. این توزیع تقریباً متوازن نشان می‌دهد که هیجان روزهای گذشته تا حد زیادی فروکش کرده و بازار در حال یافتن تعادل جدیدی است. ارزش معاملات خرد سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی نیز با ثبت بیش از ۳۴ هزار و ۷۶۸ میلیارد تومان همچنان در سطح بالایی قرار داشت که از حفظ نقدشوندگی بازار حکایت می‌کند. در مقابل، خروج حدود هزار و ۹۶۹ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام مهم‌ترین نکته منفی معاملات دیروز بود. این درحالی است که صندوق‌های درآمد ثابت نیز با خروج ۷۷۰ میلیارد تومان نقدینگی مواجه شدند. همزمان ارزش سفارش‌های خرید با رقم ۸ هزار و ۷۵۷ میلیارد تومان همچنان فاصله

قابل‌توجهی با سفارش‌های فروش به ارزش حدود ۳ هزار و ۹۸ میلیارد تومان داشت. این ترکیب آماری نشان می‌دهد که اگرچه بخشی از سرمایه‌گذاران حقیقی در حال خروج از بازار هستند اما تقاضای بالقوه همچنان در بازار وجود دارد و هر اصلاح قیمتی می‌تواند دوباره خریداران را فعال کند. به نظر می‌رسد، بورس تهران اکنون در نقطه‌ای قرار گرفته که مسیر آینده آن بیش از گذشته به متغیرهای بنیادی اقتصاد وابسته خواهد بود. کاهش تنش‌های سیاسی و بهبود فضای بین‌المللی، هرچند ریسک سیستماتیک بازار را کاهش داده اما برای تداوم روند صعودی کافی نیست. سرمایه‌گذاران در هفته‌های آینده بیش از هر چیز به متغیرهایی مانند نرخ ارز، سیاست‌های پولی، وضعیت سودآوری شرکت‌ها، گزارش‌های فصلی و تصمیمات اقتصادی دولت توجه خواهند کرد. در چنین شرایطی، بازار به تدریج از فاز واکنش هیجانی به اخبار فاصله می‌گیرد و وارد مرحله‌ای می‌شود که کیفیت عملکرد شرکت‌ها و چشم‌انداز سودآوری آنها نقش تعیین‌کننده‌تری در قیمت سهام خواهد داشت. انتظار می‌رود، بازار در روزهای آینده با نوسان و جابه‌جایی نقدینگی میان صنایع مختلف همراه باشد. در صورتی که جریان ورود پول تقویت شود و ریسک‌های سیاسی در سطوح پایین باقی بماند، بورس می‌تواند پس از یک دوره استراحت بار دیگر مسیر صعودی خود را از سر بگیرد. اما اگر خروج سرمایه‌های حقیقی ادامه پیدا کند یا ابهام‌های اقتصادی و سیاسی افزایش یابد، احتمال حرکت بازار در یک مسیر نوسانی و کم‌رنگ بیشتر خواهد شد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (قطعه نه چوار)



۸- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۵۵۰۴۰۰۷۸۰۱ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ هیأت اول، هیأت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای رضا فتاحی به شماره شناسنامه ۴۴۹۰۳۵۶۷۰۶ کد ملی ۴۴۹۰۳۵۶۷۰۶ فرزند حیدر در مقدار ۴۵ و پنج ششم مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۴۵۷,۱۳ مترمربع پلاک شماره ۴۹۹ فرعی از ۱۱,۲ اصلی واقع در حوزه ثبت ملک منطقه دو ایلام - چوار جلوتر از پتروشیمی منطقه معروف به اصلح مرز خریداری شده از - برابر هبه نامه از خان محمد فتاحی و منتسب به مالکیت طاویله فیض الهی متقاضی محرز گردید.

۹- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۵۵۰۴۰۰۷۸۰۵ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ هیأت اول، هیأت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای علی اصغر فتاحی به شماره شناسنامه ۲۱۲ کد ملی ۶۳۴۹۶۶۸۵۱۰ فرزند بسطام بگ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۴,۰۸ متر مربع پلاک شماره ۲۳۹۵ فرعی از ۱,۱۲۹ اصلی واقع در حوزه ثبت ملک منطقه دو ایلام - پارک کوثر روبروی مسکن مهر، خریداری شده از محمد نبی خدارحمی و منتسب به مالکیت محمدنبی خدارحمی متقاضی محرز گردید.

۳- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۵۵۰۴۰۰۷۵۷۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ هیأت اول، هیأت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای محمد صدرا خدارحمی به شماره شناسنامه ۰۰۲۶۳۴۹۵۰۷ کد ملی ۰۰۲۶۳۴۹۵۰۷ فرزند محمد نبی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۶۶,۰۵ متر مربع پلاک شماره ۲۳۹۷ فرعی از ۱,۱۲۹ اصلی واقع در حوزه ثبت ملک منطقه دو ایلام - ضلع شرقی میدان امام حسین ضلع شرقی پارک چغاسبز ، خریداری شده از محمدنبی خدارحمی و منتسب به مالکیت محمدنبی خدارحمی متقاضی محرز گردید.

۴- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۵۵۰۴۰۰۷۶۳۸ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ هیأت اول، هیأت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای مجید خدارحمی به شماره شناسنامه ۰۱۴ کد ملی ۴۴۹۰۳۷۶۰۱۴ فرزند ابوالحسن در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۶۴,۸۹ متر مربع پلاک شماره ۲۴۰۷ فرعی از ۱,۱۲۹ اصلی واقع در حوزه ثبت ملک منطقه دو ایلام - بلوار خلیج فارس ، خریداری شده از ابوالحسن خدارحمی و منتسب به مالکیت ابوالحسن خدارحمی متقاضی محرز گردید.

۵- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۵۵۰۴۰۰۷۶۴۲ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ هیأت اول، هیأت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای مجید خدارحمی به شماره شناسنامه ۰۱۴ کد ملی ۴۴۹۰۳۷۶۰۱۴ فرزند ابوالحسن در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۵,۹۹ متر مربع پلاک شماره ۲۴۰۸ فرعی از ۱,۱۲۹ اصلی واقع در حوزه ثبت ملک منطقه دو ایلام - بلوار خلیج فارس خریداری شده از ابوالحسن خدارحمی و منتسب به مالکیت ابوالحسن خدارحمی متقاضی محرز گردید.

۶- برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۵۵۰۴۰۰۳۵۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۳ هیأت اول، هیأت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای حاجی محمد محمد زاده به شماره شناسنامه ۳۰۸ کد ملی ۴۵۰۰۵۸۲۴۰۱ فرزند بیگلر در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۳۶,۴۴ متر مربع پلاک شماره ۱۸۹ فرعی از ۶,۱ اصلی واقع در حوزه ثبت ملک منطقه دو ایلام - چوار روستای گلزار هر کیود ، خریداری شده از - برابر سند انتقال از بیگلر محمدزاده و منتسب به مالکیت مشاعی خود متقاضی متقاضی محرز گردید.

۷- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۵۵۰۴۰۰۷۷۹۷ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ هیأت اول، هیأت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای رضا فتاحی به شماره شناسنامه ۰۰۶ کد ملی ۴۴۹۰۳۵۶۷۰۶ فرزند حیدر در مقدار ۴۵ و پنج ششم مشاع از ۹۶ شعیر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۱۹۲,۰۵ مترمربع پلاک شماره ۴۹۸ فرعی از ۱۱,۲ اصلی واقع در حوزه ثبت ملک منطقه دو ایلام - چوار جلوتر از پتروشیمی منطقه معروف به اصلح مرز، خریداری شده از - برابر هبه نامه از خان محمد فتاحی و منتسب به مالکیت طاویله فیض الهی متقاضی محرز گردید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷
شناسه آگهی: ۲۲۰۳۷۲۰

حامد فیض الهی

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو ایلام

دهزار نفر ناپدید شدند

افزایش تلفات دو زلزله ۷ ریشتری ونزوئلا



روایات انسانی از میان آوار و گردوغبار

در کنار آمارهای رسمی، ابعاد انسانی این فاجعه در روایات بازماندگان متبلور شده است. ناتاشا دیزا، شهروند اهل لا گوایرا، در مصاحبه‌ای تکان‌دهنده با بی‌بی‌سی از گرفتار شدن دو دختر جوانش که به‌عنوان ناخن‌کار در یک مرکز خرید کار می‌کردند، خبر داد و گفت تنها امیدش در آغوش کشیدن دوباره آنهاست. در روایتی دیگر، هکتور بلو، فوتبالیست سرشناس ونزوئلایی، در پیامی دردناک فاش کرد، همسرش آندریا برای نجات جان دختر خردسال‌شان، جان خود را فدا کرده است. در این میان وزارتخانه‌های خارجه پرتغال، برزیل و اسپانیا نیز مرگ اتباع خود را تأیید کرده‌اند. با این حال، نجات معجزه‌آسای سه خواهر و برادر خردسال از میان شکاف‌های بتنی لا گوایرا، بارقه‌ای از امید را در دل جامعه مدنی ونزوئلا زنده نگه داشته است؛ جامعه‌ای که به گفته یان آگلانه، دبیرکل شورای پناهندگان نروژ اکنون با ویرانی هولناکی مواجه است که ترمیم آن سال‌ها زمان خواهد برد.

کم، نقشی کلیدی در شدت ویرانی‌ها داشته است. سازمان زمین‌شناسی برزیل این پدیده را به فرساید همزمان دو نفر تشبیه کرده که ارتعاشات یکدیگر را تقویت می‌کنند. با این حال تحلیل تصاویر ماهواره‌ای آزمایشگاه هوش مصنوعی مایکروسافت در شهر کاتیا لا مار نشان می‌دهد حدود یک‌سوم از ۳۰ هزار ساختمان این شهر دچار خسارت شده‌اند. مهندسان برجسته‌ای چون دیوید کاک و ادواردو میراندا معتقدند، بخشی از این سازه‌های بتنی در دوران رونق نفت در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بدون اتصالات فولادی تقویت‌شده، ساخته شده و پدیده «طبقه نرم» یعنی اختصاص همکف به پارکینگ بدون دیوارهای مقاوم، فروریختن آنها را تشدید کرده است. همچنین فرسودگی ناشی از دهه‌ها کمبود سرمایه‌گذاری و حتی ضعف ساختاری برخی مجتمع‌های ساخته شده پس از سیل سال ۱۹۹۹ شکنندگی شهرها را عیان کرده است.

نیروی امداد و نجات بین‌المللی در قالب ۳۹ تیم جست‌وجو از سراسر جهان وارد ونزوئلا شده‌اند. تام فلچر اعلام کرد که علاوه بر ۱۱۱ سگ زنده‌یاب از ریزبهدادهای ویژه‌ی موسوم به پهپادهای سوسکی برای نفوذ به شکاف‌های باریک بتنی استفاده می‌شود. بریتانیا با اعزام هواپیمای نظامی از پایگاه بریز نورتون و ایالات متحده با تخصیص ۱۵۰ میلیون دلار کمک مادی، ارسال کشتی‌های نظامی و هواپیمای ترابری به همراه کشورهای هلند، مکزیک، السالوادور، کلمبیا و سوئیس در این عملیات مشارکت دارند. این کمک‌ها در حالی فرستاده می‌شوند که به گفته پزشکان محلی نظیر پدرو خاویر فرناندز، بیمارستان‌های کشور حتی پیش از زلزله نیز با کمبود شدید دارو و تجهیزات مواجه بودند و اکنون توان پاسخگویی به حجم انبوه مجروحان را ندارند. همزمان مقامات ونزوئلا برای جلوگیری از ترافیک و اختلال در مسیر امداد، ورود خودروها به ایالت لا گوایرا یعنی کانون اصلی فاجعه که فرودگاه بین‌المللی سیمون بولیوار در آن قرار دارد را محدود کرده‌اند.

مهندسی شتاب‌زده و پدیده مرگبار طبقه نرم

ارزیابی‌های اولیه کارشناسان سازه نشان می‌دهد که وقوع دو زلزله پیاپی با بزرگی ۷.۲ و ۷.۵ ریشتر در عمق

گروه اجتماعی: با گذشت سه روز از وقوع دو زمین‌لرزه مهیب و پیاپی در ونزوئلا، مقامات رسمی در کاراکاس اعلام کردند شمار جان‌باختگان این فاجعه به حداقل ۹۲۰ نفر رسیده و تعداد مجروحان نیز از مرز ۳ هزار و ۳۶۰ نفر گذشته است. براساس گزارش‌های منتشرشده، با وجود نجات دلاورانه ۲۴۳ نفر در ایالت ساحلی لا گوایرا، دست‌کم ۱۷۲ نفر همچنان به‌طور قطع زیر آوارها گرفتار هستند و در پایگاه‌های داده مستقل، نام بیش از ۵۱ هزار نفر به‌عنوان مفقود ثبت شده است؛ رقمی که بخش عمده‌ای از آن می‌تواند ناشی از قطع کامل خطوط ارتباطی یا گزارش‌های تکراری باشد. تام فلچر، مسئول هماهنگی کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد، در گفت‌وگو با رادیو بی‌بی‌سی با وخیم خواندن اوضاع تأکید کرد که ۷۲ ساعت نخست پس از زلزله برای یافتن بازماندگان اهمیت حیاتی دارد و نیروها لحظه‌به‌لحظه با شنیدن صدای محبوس‌شدگان پیش می‌روند. دلسی رودریگز، رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا نیز از ثبت ۲۱۴ پس‌لرزه پیاپی خبر داده که فرآیند جست‌وجو را در شمال کشور با خطرات جدی روبه‌رو کرده است.

بسیج بین‌المللی و ورود فناوری‌های نوین به عملیات نجات

در پاسخ به این بحران انسانی بی‌سابقه، نزدیک به ۲ هزار

جامعه

حادثه

شهادت دو گروه‌بان

حمله مسلحانه به ایست‌بازرسی بانه؛ ۲ شهید و ۵ مجروح

حمله مسلحانه به ایست‌بازرسی «سیدلو» در محور بانه-سقز، شامگاه جمعه دو تن از نیروهای انتظامی را به شهادت رساند و پنج نفر دیگر را مجروح کرد. همزمان با ادامه بررسی ابعاد این حادثه، نیروهای امنیتی و انتظامی، عملیات شناسایی و تعقیب عاملان حمله را در دستورکار قرار داده‌اند. براساس اطلاعات منتشرشده، گروه‌بانیکم محمد حسن‌بیگی و سرباز وظیفه مارتین احدی، هنگام انجام مأموریت تأمین امنیت در این ایست‌بازرسی هدف حمله افراد مسلح قرار گرفتند و جان خود را از دست دادند.

در این حادثه پنج نفر نیز مجروح شدند که شامل دو نفر از کارکنان انتظامی، یک نفر از نیروهای سپاه پاسداران و دو شهروند غیرنظامی هستند. در میان مصدومان، یک دختر سه ساله که به همراه خانواده خود از محور بانه-سقز عبور می‌کرد بر اثر اصابت گلوله‌های کمانه شده به خودرویی آنان دچار جراحت شد و به مرکز درمانی انتقال یافت. گزارش‌های اولیه همچنین حاکی از آن است که حال یکی از نیروهای انتظامی مجروح، وخیم اعلام شده و روند درمان سایر مصدومان ادامه دارد.

پس از وقوع این حمله، فرمانده انتظامی استان کردستان دستور پیگیری ویژه برای شناسایی عاملان این حادثه را صادر کرد. بر این اساس نیروهای امنیتی و انتظامی با استقرار در منطقه، عملیات اطلاعاتی و میدانی برای شناسایی و دستگیری مهاجمان را آغاز کرده‌اند.

بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد، هدف مهاجمان ایجاد ناامنی در محور بانه-سقز بوده است اما به گفته منابع رسمی، با حضور سریع نیروهای امنیتی شرایط در شهرستان بانه و دیگر مناطق مرزی استان کردستان تحت کنترل قرار گرفته و امنیت منطقه برقرار است.

این حمله در حالی رخ داد که سه‌شنبه هفته گذشته نیز یکی از نیروهای مرزبانی شهرستان میروان در یک اقدام تروریستی، جان خود را از دست داده بود. تحقیقات درباره ابعاد حادثه بانه و شناسایی عاملان آن همچنان ادامه دارد و انتظار می‌رود با تکمیل بررسی‌های امنیتی، اطلاعات بیشتری از سوی مراجع رسمی منتشر شود.

نیروی انسانی متخصص انجام نمی‌دهند. در نتیجه، دانش کافی برای پیکربندی صحیح و بهره‌برداری حداکثری از این ابزارها وجود ندارد. علاوه بر این، در روزهای آغازین بحران اخیر، پیشنهادهایی برای استفاده از مشاوران و متخصصان بین‌المللی جهت عارضه‌یابی شبکه‌ها مطرح شد اما محدودیت‌های سفر، شرایط جنگی و حساسیت‌های امنیتی مانع از تحقق آن شد. از سوی دیگر به دلیل عدم وجود جریمه‌های حقوقی و اسناد بالادستی الزام‌آور برای صیانت از حقوق کاربران، مدیران بانکی ترجیح می‌دهند به ترکیب سامانه‌های در حال کار دست‌نزد تا با ریسک تغییر مواجه نشوند و همین رویکرد انتقاضی، اطلاع‌رسانی شفاف را به جملاتی کلیشه‌ای نظیر «صیور باشید» محدود کرده است.

ارتباطی به اینترنت ندارد

ابعاد این بحران زمانی پیچیده‌تر می‌شود که موضوع به مباحث کلان امنیت ملی و جنگ‌های نوین گره می‌خورد. در روزهای گذشته، ردیاب تضادهای جناحی و تحلیل‌های غیرکارشناسی نیز در حاشیه این بحران خودنمایی کرد. برخی مقامات از جمله امیر سیاح، معاون مرکز ملی فضای مجازی، با انتشار موضعی مدعی شدند که باز شدن اینترنت بین‌الملل عامل اصلی این حملات بوده و خواستار تداوم محدودیت‌های ارتباطی شدند. این ادعا بلافاصله با پاسخ تند بهزاد اکبری، معاون وزیر ارتباطات و مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت مواجه شد. اکبری با رد هرگونه ارتباط میان اتصال به اینترنت و هک بانک‌ها، صراحتاً اعلام کرد که سامانه‌های اصلی (Core Banking) این بانک‌ها و شرکت ارائه‌دهنده خدمات به آنها اصلاً به اینترنت عمومی متصل نبوده و لایه‌های دیگر آنها نیز در بستر داخلی و به‌صورت «ایران‌اکسس» مدیریت می‌شوند. این داده‌های فنی نشان می‌دهد که منشأ این حملات یا از درون شبکه داخلی هدایت شده و یا از روزنه‌های نفوذ پنهانی صورت گرفته که ارتباطی با پهنای باند بین‌الملل ندارد. بر اساس آمارهای وزارت ارتباطات، روزانه به‌طور متوسط ۳۵۰ هزار رخداد امنیتی با منشأ شبکه داخلی و ۲۵۰ هزار رخداد با منشأ اینترنت بین‌الملل در کشور ثبت می‌شود که گویای حجم بالای تهدیدات در هر دو جبهه است.

هدف معیشت مردم است

در نهایت، فلج شدن موقت سیستم پرداخت الکترونیک در کشوری که پول نقد به شدت در آن نایاب شده مستقیماً معیشت روزمره مردم را هدف قرار داده است؛ به‌طوری که اختلال در جاه‌جایی‌های خرید، پرداخت کرایه تاکسی و خرید اقلام اساسی نظیر نان، لایه‌های اجتماعی این بحران تکنولوژیک را نمایان‌تر کرده است. وقوع سه حمله بزرگ در یک سال ثابت کرد که مراکز داده به میدان‌های اصلی نبردهای ترکیبی معاصر تبدیل شده‌اند و هدف مهاجمان فراتر از سرقت دارایی، ایجاد ناکارآمدی در بدنه دولت و تزیق ناامیدی به بدنه جامعه است.

برزخ کارت‌های بانکی

آرامش روانی جامعه چگونه با اختلالات بانکی به بازی گرفته می‌شود؟

رفع کامل این ناپایداری‌ها متعاقباً اطلاع‌رسانی خواهد شد و از مشتریان خواسته تا تراکنش‌های خود را به‌صورت تدریجی انجام دهند؛ چراکه حجم بالای مراجعات خود به گلوگاهی برای تشدید اختلال تبدیل شده است. از سوی دیگر، روابط عمومی بانک صادرات مدعی است، اختلال ساختاری روزهای گذشته وجود ندارد و کندی‌های فعلی ناشی از شلوغی شبکه است. این درحالی است که شعب این بانک برای پاسخگویی به مراجعات انباشته شده، ساعات کاری خود را در روزهای شنبه و یکشنبه تا ساعت ۱۷ افزایش داده‌اند اما مشتریان همچنان از ناتوانی در انتقال وجه و از کار افتادن کارت‌های خود گلایه دارند.

فرسایش روان مردم

با وجود تشدید نگرانی‌ها در افکار عمومی، شرکت خدمات انفورماتیک و بانک مرکزی مدعی شده که هیچ‌گونه دسترسی غیرمجاز یا نشت اطلاعات محرمانه مشتریان رخ نداده و دارایی‌های مردم در امنیت کامل است. با این حال کارشناسان مستقل حوزه بانکداری الکترونیک معتقدند که بزرگ‌ترین خسارت این حملات متوالی، نه سرقت پول بلکه فرسایش سیستماتیک اعتماد عمومی به‌عنوان اصلی‌ترین سرمایه نظام بانکی است. نیما امیرشکاری، کارشناس اقتصاد دیجیتال، در تحلیل ریشه‌های این آسیب‌پذیری مداوم معتقد است که ریشه اصلی تکرار این حوادث را باید در «ضعف ارتباط با دنیا» و انزوای تکنولوژیک کشور جست‌وجو کرد. به باور او، مغز نرم‌افزاری زیرساخت‌های بانکی ایران، متعلق به سه دهه پیش است که سال‌ها قبل از شرکت‌های خارجی خریداری شده و در تمام این سال‌ها تنها ظرفیت سخت‌افزاری و تعداد پردازنده‌های آن ارتقا یافته است. این سامانه‌های قدیمی به دلیل تحریم‌ها، وصله‌های امنیتی روزآمد را دریافت نمی‌کنند و به اهدافی کاملاً پیش‌بینی‌پذیر برای مهاجمان سایبری تبدیل شده‌اند. در محیط بسته اقتصاد ایران برخلاف شبکه پولی جهانی، الزامات سخت‌گیرانه برای تطبیق با استانداردهای نوین امنیتی وجود ندارد و نوسازی ساختارها به جای یک ضرورت حیاتی به انتخابی کم‌اولویت تبدیل شده است.

بانک‌ها نیروی متخصص ندارند

در لایه مدیریتی نیز چالش عمیقی در زمینه تساب‌آوری و پاسخگویی وجود دارد. سعید سوزنگر، کارشناس امنیت سایبری به این نکته اشاره می‌کند که سازمان‌ها و بانک‌های ایرانی حاضرند هزینه‌های گزافی را صرف خرید تجهیزات و سخت‌افزارهای گران‌قیمت کنند اما سرمایه‌گذاری متناسبی روی جذب و حفظ



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

طی روزهای گذشته، گزارش‌های میدانی و شکایت‌های گسترده شهروندان از بروز اختلالات عمیق و دوباره در خدمات دو بانک بزرگ کشور یعنی بانک‌های ملی و صادرات حکایت دارد. شرکت خدمات انفورماتیک روز شنبه، ششم تیرماه، رسماً تأیید کرد که افت کیفیت و قطعی‌های روز جاری ناشی از تداوم آثار حمله سایبری دوم تیرماه به زیرساخت‌های بانکی است. این اعتراف صریح در شرایطی صورت می‌گیرد که پیش‌تر و در سوم تیرماه، مقامات مسئول از رفع کامل اختلالات و بازگشت شریان پولی به وضعیت عادی خبر داده بودند. اکنون اما تجربه روزمره میلیون‌ها کاربر نشان می‌دهد که وعده پایداری شبکه‌ها با واقعیت جاری در شعب و نرم‌افزارهای موبایلی فاصله دارد. براساس داده‌های مندرج در گزارش‌های تخصصی که پیش از این ابعاد فنی بحران را مستند کرده‌اند، شبکه پولی کشور ظرف یک سال گذشته، متحمل سه موج سنگین و ویرانگر از حملات هکری شده است. دور نخست این نبرد دیجیتال در جریان جنگ ۱۲ روزه و در خردادماه ۱۴۰۴ رخ داد که طی آن زیرساخت‌های بانک‌های سپه و پاسارگاد برای روزها و حتی هفته‌ها از دسترس خارج شد و گروه هکری موسوم به «گنجشک درنده» مسئولیت نابودی بخشی از داده‌های آن را برعهده گرفت. در موج دوم و همزمان با جنگ ۴۰ روزه در اواخر سال گذشته، بانک ملی ایران با داشتن بیش از ۴۰ میلیون مشتری که بخش عمده آنان را کارمندان و بازنشستگان تشکیل می‌دهند، در آستانه شب عید، هدف قرار گرفت و صف‌های طولی از مردم سردرگم را در شرایط جنگی مقابل شعب ایجاد کرد. اکنون در موج سوم که از ۲۳ خردادماه سال جاری و در دوران آتش‌پس آغاز شده چهار بانک ملی، صادرات، تجارت و توسعه صادرات ایران به‌طور زنجیره‌ای هدف هجوم قرار گرفته‌اند.

از کار افتادن کارت‌ها و تکذیب بانک‌ها

بررسی دقیق وضعیت جاری در پایتخت و شهرهای بزرگ نشان می‌دهد که به‌رغم اعلام روابط عمومی بانک ملی مبتنی بر اجرای عملیات به‌روزرسانی در شب گذشته برای آماده‌سازی سامانه‌ها، خدمات مبتنی بر کارت و اپلیکیشن‌های موبایل بانک این نهاد مالی همچنان برای بسیاری از کاربران غیرقابل استفاده است. روابط عمومی بانک ملی در گفت‌وگو با رسانه‌ها ضمن تأیید برطرف شدن تنها بخشی از مشکلات اعلام کرده که زمان

